

خشوع در نماز

تألیف:

محمد صالح المنجد

مترجم:

عبدالله دارابی

ویراستار:

ناصر پیری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

مقدمه.....	۴
رمزِ نماز.....	۷
به نام خداوند بخشنده و مهربان.....	۹
فواید خشوع و فروتنی.....	۱۴
حکم خشوع.....	۱۵
الف - حریص بودن بر آنچه که خشوع را ایجاد و تقویت می‌کند.....	۱۹
۱- مهیا شدن برای ادامه نماز.....	۱۹
۲- آرام‌گرفتن در نماز.....	۲۰
۳- ذکر مرگ در نماز.....	۲۱
۴- در آیات و اذکار نماز تدبیر کردن.....	۲۱
۵- قرآن را آیه به آیه و به تأنی بخواند.....	۲۵
۶- قرآن را با ترتیل و صوت خوب تلاوت کند.....	۲۵
۷- بداند که خداوند صدای او را می‌شنود.....	۲۶
۸- روبروی ستره و نزدیک به آن نماز بخواند.....	۲۷
۹- دست راست بر دست چپ بنهد و روی سینه نگاه‌دارد.....	۲۸
۱۰- در نماز فقط به سجده‌گاهش بنگرد.....	۲۹
۱۱- اشاره با انگشت سبابه.....	۳۰
۱۲- تنوع سُور، آیات، اذکار و ادعیه در نماز.....	۳۱

- ۱۳- سجدة تلاوت ۳۴
- ۱۴- پناه بردن به خدای عَلَّامُ از شر شیطان ۳۵
- ۱۵- نماز سلف صالح ۳۹
- ۱۶- شناخت مزایای خشوع در نماز ۴۳
- ۱۷- دعا در نماز و خصوصاً در سجده ۴۵
- ۱۸- اذکار بعد از نماز ۴۷
- ب- دفع موانعی که خشوع نماز را کم می‌کند..... ۴۸**
- ۱۹- از بین بردن چیزهایی که نمازگزار را به خود مشغول می‌کند ۴۸
- ۲۰- لباس نمازگزار نباید دارای نقوش، رنگارنگ و یا نوشته‌ها و تصاویری باشد که او را از نماز غافل کند ۴۹
- ۲۱- وقتی که غذا حاضر است نماز نخواند ۴۹
- ۲۲- در حالتی که بول و غائط به او فشار می‌آورد نماز نخواند ۵۰
- ۲۳- در حالات چُرْت نماز نخواند ۵۱
- ۲۴- نباید روبروی متحدث و خوابیده نماز خواند ۵۱
- ۲۵- مشغول نشدن به صاف کردن زمین ۵۲
- ۲۶- با قرائتش مزاحم دیگران نشود ۵۳
- ۲۷- در نماز به اطراف «توجه» نکند ۵۳
- ۲۸- به آسمان ننگرد ۵۵
- ۲۹- در حال نماز به پیش روی خود آب دهان نیندازد ۵۵
- ۳۰- تا حد ممکن از خمیازه کشیدن خودداری کند ۵۶
- ۳۱- ترک «اختصار» در نماز ۵۶

۳۲- ترک «سدل» در نماز ۵۷

۳۳- پرهیز از تشبیه به حیوانات ۵۷

مقدمه

نماز رابطه خداوند با بندگان، نردبان ترقی و پیشرفت و رابطه آسمان با زمین است و در هیچ حالتی نباید ترک شود. نماز، برخلاف روزه و عبادات دیگر، هیچ‌گاه از انسان ساقط نمی‌شود.

قرآن کریم به سه چیز بسیار مهم و قابل تأمل در نماز، یعنی خشوع، محافظت و دوام اشاره فرموده است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝۱ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ۝۲﴾ [المؤمنون: ۱-۲].

«مؤمنان رستگار شدند * آنها که در نمازشان خشوع دارند».

﴿وَالَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَوَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ ۝۹﴾ [المؤمنون: ۹].

«و آنها که بر نمازهایشان مواظبت می‌نمایند».

﴿الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ ۝۲۳﴾ [المعارج: ۲۳].

«آنان که همواره بر نمازشان مداوم و پایدارند».

نماز هر نمازگزاری باید این سه ویژگی را داشته باشد.

اما چگونه نماز بخوانیم؟ رسول اکرم ﷺ فرموده‌اند: «صَلُّوا كَمَا رَأَيْتُمُونِي أُصَلِّي». «نماز بخوانید آن چنان که می‌بینید من نماز می‌خوانم». اولین چیزی که پیامبر ﷺ بعد از توحید بیان فرمودند اقامه نماز بود چون نماز رأس عبادت بدنی و زکات رأس عبادات مالی است. پیامبر ﷺ از اصحاب بر اقامه نماز بیعت می‌گرفت چنان که در صحیح بخاری، جریر بن عبدالله گفته است: «بَايَعْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ عَلَى إِقَامِ الصَّلَاةِ، وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ، وَالْتِصَاحِ لِكُلِّ مُسْلِمٍ».

«با پیامبر ﷺ پیمان بستم که نماز را برپا داشته زکات را بدهم و برای هر مسلمان نصیحت کنم و خیر اندیشی نمایم».

این حدیث بر فضیلت نماز و توجه به آن دلالت می‌کند. درست آن است که نماز در افضل اوقاتش خوانده شود و وقت آن ضایع نشود. در صحیح بخاری روایت شده است که عبدالله بن مسعود گفت: «سَأَلْتُ النَّبِيَّ ﷺ أَىُّ الْعَمَلِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ؟ قَالَ: الصَّلَاةُ عَلَى وَقْتِهَا». «از پیامبر ﷺ پرسیدم: کدام کار را خداوند دوستتر می‌دارد؟ فرمود: نماز را در وقتش». و یا در روایت دیگر از ابوداود و حاکم و دارقطنی و بیقهی آمده است که پیامبر ﷺ فرمود: «الصَّلَاةُ فِي أَوَّلِ وَقْتِهَا». یعنی: «نماز را در اول وقتش». مسئله دیگری که لازم است در نماز مورد توجه قرار گیرد، هدف از اقامه نماز است، یعنی چرا باید نماز خواند، آیا اهدافی در این عمل است یا نه؟

اگر مروی گذرا بر قرآن، کتاب هدایت و نور، داشته باشیم این آیات را می‌بینیم:

﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵].

«و بدرستیکه آن نماز دشوار است مگر بر صاحبان خشوع».

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي﴾ [طه: ۱۴].

«و بر پا کن نماز را برای یاد کردن من».

﴿إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ﴾ [العنکبوت: ۴۵].

«یقیناً نماز از کارهای زشت، و کارهای ناپسند باز می‌دارد».

﴿وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَزُلْفَا مِنْ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ﴾ [هود: ۱۱۴].

«و بر پا کن نماز را دو طرف روز و ساعتی چند از شب هر آئینه طاعات دور میکنند گناهان را».

نمازگزار باید خاشعانه و فروتنانه نماز را به جای آورد تا به یاد پروردگارش باشد و نماز او، وی را از فحشاء و منکر بازدارد و در بامدادان و شبانگاهان و لحظاتی از شب مانند کوهی استوار بایستد و با خدایش به راز و نیاز پردازد و درگاه او پوید و رضای او جوید و زندگی و مرگ او برای خدا باشد.

نماز، وقتی عبادت به حساب می‌آید که با خشوع، حضور قلب و برای خدا ادا شود و

نمازگزار را از زشتیها، منکرات و رذائل دور کند و به او احساس گرمی و رسیدن به کمال را ببخشد و اگر چنین نباشد عادت است و نه عبادت.

راه دین با عبادت طی می شود و هر عبادتی هم دارای رموز و حکمت هایی است. و از اسرار آن، که توشه راه، مدد روح و حیات، و جلاء قلب و نور چشمان است، این است که می آموزد چگونه زندگی کند و کجا خاشع و فروتن باشد. در چنین حالاتی است که خداوند به بنده اش رفعت درجات می دهد، پیامبر ﷺ فرمودند: «وَمَا تَوَاضَعُ أَحَدٌ لِلَّهِ إِلَّا رَفَعَهُ اللَّهُ تَعَالَى». یعنی: «و هیچکسی برای خدا فروتنی نکرده، مگر اینکه خداوند او را برتری داده است».

در پایان از خداوند ﷻ خواهانم که ما را توفیق دهد تا بتوانیم خادمی از خادمان راه اسلام باشیم و خالصانه خواهانیم که این تلاش ناچیز و اندک را از ما بپذیرد و ما را با نور قرآن زنده کند و حیات و ممات ما برای خدا باشد.

نمیرد هر که را جانش تو باشی خوشا جانی که جانانش تو باشی
هرگز نمیرد آن که دلش زنده شد به عشق ثبت است بر جریده عالم دوام ما
و در پایان از برادر بزرگوار، حافظ احمد نورشمسائی نهایت تشکر و قدردانی دارم که این کتاب را در اختیار حقیر گذاشتند خداوند به ایشان جزای خیر دهد.

مترجم

رمزِ نماز

چون که با تکبیرها مقرون شدند
معنی تکبیر این است ای امیم
وقتِ ذبح **الله اکبر** می‌کنی
تن چو اسماعیل و جان همچون خلیل
گشت کشته تن ز شهوت‌ها و آز
چون قیامت پیش حق صف‌ها زده
ایستاده پیش یزدان اشک‌ریز
حق همی گوید چه آوردی مرا
عمر خود را در چه پایان برده‌ای؟
گوهر دیده کجا فرسوده‌ای؟
چشم و گوش و هوش و گوهرهای عرش
دست و پا دادمت چون بیل و کلند
همچنین پیغام‌های دردگین
در قیام این گفته‌ها دارد رجوع
قوتِ استادن از خجالت نماند
باز فرمان می‌رسد بردار ستر
سر برآرد از رکوع آن شرمسار
باز فرمان آیدش بردار سر
سر برآرد او دگر ره شرمسار

همچو قربان از جهان بیرون شدند
کای خدا پیش تو ما قربان شدیم
همچنین در ذبح نفسِ کشتنی
کرد جان تکبیر بر جسم نبیل
شد به **بسم‌الله** بِسْمِلِ در نماز
در حساب و در مناجات آمده
بر مثال راست خیز رستخیز
اندرین مهلت که دادم من تو را
قوت و قوت در چه فانی کرده‌ای؟
پنج حس را در کجا پالوده‌ای؟ جج
خرج کردی چه خریدی تو ز فرش
من ببخشیدم ز خود آن کی شدند؟
صدهزاران آید از حضرت چنین
وز خجالت شد دوتا او در رکوع
در رکوع از شرم تسییحی بخواند
از رکوع و پاسخ حق برشمر
باز اندر رو فتد آن خام کار
از سجود واده از کرده خبر
اندر افتد باز در رو همچو مار

باز گوید سر برآر و باز گو
 قوت پا ایستادن نبودش
 پس نشیند قعه زان بارِ گران
 نعمت دادم بگو شُکرت چه بود؟
 رو به دست راست آرد در سلام
 یعنی ای شاهان شفاعت کاین لئیم
 انبیا گویند روز چاره رفت
 رو بگرداند به سوی دستِ چپ
 هین جواب خویش گو با کردگار
 نی از این سو نی از آن سو چاره شد
 از همه نومید شد مسکین کیا
 کز همه نومید گشتم ای خدا
 در نماز این خوش اشارت‌ها بین
 بچه بیرون آر از بیضه نماز

که بخواهم جُست از تو مو به مو
 که خطاب هیبتی بر جان زدش
 حضرتش گوید سخن گو با بیان
 دادم سرمایه هین بنمای سود
 سوی جانِ انبیا و آن کرام
 سخت در گِل ماندش پای و گلیم
 چاره آنجا بود و دست افزارِ زفت ...
 در تبار و خویش گویندش که خپ
 ما که ایم ای خواجه دست از ما بدار
 جان آن بیچاره دل صد پاره شد
 پس برآرد هر دو دست اندر دعا
 اول و آخر تویی و منتها
 تا بدانی کاین بخواهد شد یقین
 سر مزن چون مرغ بی تعظیم و ساز

(مثنوی معنوی)^۱

۱- تمامی اشعاری که در پاورقی‌ها آمده از مثنوی معنوی مولانا و انتخاب ویراستار بوده است.

به نام خداوند بخشنده و مهربان

حمد و ستایش سزاوار خداوند، پروردگار جهانیان باد که در کتاب پربرکت خود فرمود:

﴿وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸].

«و برای خداوند فروتنانه [به عبادت] بایستید».

و درباره نماز فرمود:

﴿وَأَنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵].

«نماز سخت دشوار است مگر بر فروتنان».

و سلام و درود بر امام پرهیزگاران و سرور و سید فروتنان، محمد رسول خدا، و آل و اصحاب او باد.

نماز از بزرگترین ارکان عملی اسلام، و خشوع و فروتنی در نماز از ضروریات و واجبات است، زیرا که دشمن خدا، ابلیس، قسم خورده و عهد بسته که بنی آدم را گمراه کند و آنها را دچار فتنه و آشوب کند.

﴿ثُمَّ لَا تَجِدُ فِيهِمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ﴾ [الأعراف: ۱۷].

«سپس از پیش رو و از پشت سر و از طرف راست و چپ و از هر جهت به سراغ ایشان می‌روم و گمراهشان می‌سازم».

از بزرگترین فریب‌های ابلیس دور کردن مسلمین از نماز است. شیطان از انواع وسائل و وسوسه‌ها استفاده می‌کند تا انسان را از نماز بازدارد و او را از لذت عبادت و اجر و ثواب محروم کند و بسیاری از مردم در این کار تسلیم وی شده‌اند، زیرا اولین چیزی که در عبادت از بین می‌رود خشوع است. در این عصر، که عصر آشوب و فتنه است، گفتار حذیفه رضی الله عنه در این مورد صدق می‌کند که فرمودند: اولین چیزی که از دین شما از بین می‌رود خشوع، و

آخرین چیزی که از بین می‌رود نماز است، و بسیاری از نمازگزاران هستند که خیری در آنها نیست و از نمازشان بهره‌ای نمی‌برند و ای بسا که داخل مسجد شوی و شخص فروتن و خاشعی را در آن ببینی.^۱

چیزی که انسان در خود احساس می‌کند و از اطرافیان خود می‌شنود قضیه وسوسه در نماز و عدم خشوع است، پس نیاز است که به این موضوع اشاره کنیم. این رساله یادآوری و تذکری برای خود و برادران مؤمن است. از خداوند منان خواهانم که مفید واقع شود.

خداوند فرموده‌اند:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ﴿١﴾ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ ﴿٢﴾﴾ [المؤمنون: ۱-۲].

«به راستی که مؤمنان رستگار شدند، همانان که در نمازشان فروتن هستند».

«خشوع عبارت است از آرامش، طمأنینه و وقار و تواضع، و ترس از خدا و توجه به وی».^۲

خشوع، یعنی در کمال ذلت و با فروتنی تمام در مقابل خداوند ایستادن.^۳

و از مجاهد روایت شده است که گفت: ﴿وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ﴾ [البقرة: ۲۳۸]. قنوت

عبارت است از ایستادن، فروتنی، چشم‌پوشی و تواضع از ترس خداوند.^۴

محل خشوع، قلب است، و ثمرات آن در اعضای بدن، و اعضای بدن تابع قلب هستند، وقتی که فروتنی قلب - به سبب غفلت و وسوسه - از بین رفت، فروتنی دیگر اعضای بدن هم از بین می‌رود، زیرا قلب مانند فرمانده، و اعضای بدن لشکر اوست و از وی پیروی می‌کنند. وقتی که فرمانده عزل یا نابود شود سربازانش هم از بین می‌روند، پس خشوع اعضای بدن متعلق به خشوع قلب است.

۱- مدارج السالکین لابن القيم (۵۲۱/۱).

۲- تفسیر ابن کثیر ط. دارالشعب (۴۱۴/۶).

۳- المدارج (۵۰۲/۱).

۴- تعظیم قدر الصلاة (۱۸۸/۱).

اما تظاهر به فروتنی و خشوع مذموم است زیرا از نشانی‌های اخلاص^۱ پنهان کردن خشوع و فروتنی است.

حذیفه رضی الله عنه ما را از این برحذر می‌دارد و می‌فرماید: از فروتنی منافقانه برحذر باشید، گفته شد: فروتنی منافقانه چیست؟ گفت: آن که جسم فروتن و خاشع اما قلب غافل باشد^۱. و فضیل بن عیاض فرمودند: مکروه است که اعضای بدن بیش از قلب خاشع باشند. یعنی لازم است [این دو] مساوی و همسنگ باشند. یکی از صالحین مردی را دید که خود را خم کرده بود و ظاهراً در نمازش فروتن بود، به او گفت: خشوع و فروتنی اینجاست - به سینه‌اش اشاره کرد - نه در خود خم کردن^۲.

ابن قیم الجوزی رحمه الله فرق میان خشوع ایمانی و تظاهر به خشوع را بیان می‌کند: «خشوع الإیمان هو خشوع القلب لله بالتعظیم والإجلال والوقار والمهابة والحیاء، فینکسر القلب لله کسرة ملتئمة من الوجل والخلجل والحب والحياء وشهود نعم الله وجنایاته هو، فیخضع القلب لا محالة فیتبعه خشوع الجوارح».

«خشوع ایمان همان خشوع و تواضع قلب همراه با تعظیم و اجلال و وقار و مهابت و حیاء، پس قلبها فروتن می‌شوند همراه با ترس و حب و حیاء و حضور ذهن نعمتهای بی‌متهای خداوندی بر او و کوتاهی او در برآورده کردن شکر این نعمت‌ها، پس در این هنگام است که قلب بدون اختیار خاشع و فروتن می‌شود».

-۱-

علت ابلیس انا خیری بُدست	وین مرض در نفس هر مخلوق هست
گرچه خود را «بس شکسته» بیند او	آب صافی دان و سرگین زیر جو
چون بشوراند ترا در امتحان	آب سرگین زنگ گردد در زمان
در تک جو هست سرگین ای فتی	گرچه جو صافی نماید مر ترا

اما تظاهر به خشوع عبارت است از این که انسان جوارح خود را به حالت تصنعی و ظاهری فروتن کند اما قلبش غافل باشد، و بعضی از اصحاب رسول الله ﷺ می گفتند: «أعوذ بالله من خشوع النفاق» گفته شد: خشوع نفاق چیست؟ گفتند: آن است که جسم فروتن و دل غافل باشد. بنده فروتن خدا کسی است که آتش شهوات خود را خاموش کرده و دود آن شهوات از دلش خارج شده است، پس دلش می تابد و صاف می شود و نور عظمت و بزرگی خداوند در آن می درخشد و به سبب ترس از خدا و خشوع در مقابل وی شهوات می میرند، اعضای بدن احساس آرامش می کنند، دل مملو از آرامش و طمأنینه می شود و فرمانبردار و مطیع خواهد شد و همانند زمینی که آب در آن نفوذ کند کاملاً تسلیم می شود. و نشانه آرامش این است که به خاطر عظمت خدا، در کمال ذلت و خواری چنان سجده ای می کند که سرش را بلند نمی کند^۱: تا به ملاقات خداوند نرود سر را بلند نمی کند این است معنای خشوع و فروتنی.

اما تظاهر به خشوع و خود را به مردن زدن حالتی است که شخص، اندام بدن خود را به ظاهر فروتن نشان می دهد و ریاکاری پیشه می کند. این گونه افراد ظاهری زیبا و آراسته و فروتن، اما باطن آنها ویران و زنده به شهوات است. چنین انسانی به ظاهر فروتن است اما در درون وی عقربها و مارهای سمی زندگی می کنند و در پی فرصت مناسب هستند^۲. فروتنی در نماز وقتی حاصل می شود که انسان دل خود را بدان مشغول کند و آن را بر چیزهای دیگر ترجیح دهد، در چنین حالتی است که احساس راحتی و آرامش می کند و

۱- مولوی می فرماید:

گفت پیغمبر رکوع است و سجود	بر در حق کوفتن حلقه وجود
حلقه آن در هر کو می زند	بهر او دولت سری بیرون کند

(مثنوی)

۲- کتاب الروح ص ۳۱۴.

چشمانش روشن می‌شوند. همانطور که پیامبر بزرگوار ﷺ فرمودند: «وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ»^۱. «نور چشمان من در نماز است».

خداوند در قرآن کریم مردان و زنان فروتن و خاشع را ستوده و فروتنی را از صفات نیکوکاران شمرده و برای آنها آمرزش و اجر بس بزرگی را مهیا دیده است.^۲

۱- تفسیر ابن کثیر (۴۵۶/۶) والحديث في مسند احمد (۱۲۸/۳).

۲- سوره احزاب آیه ۳۵.

فواید خشوع و فروتنی

فروتنی در نماز، نماز را بر انسان آسان می‌کند، خداوند می‌فرماید:

﴿وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵].

یعنی: «نماز بسیار سنگین و مشقت‌بار است مگر برای فروتنان»^۱.

خشوع امری عظیم است، و سریع از بین می‌رود، و در زمان ما بسیار نادر و کمیاب است. پیامبر ﷺ فرمودند: «أول شيء يرفع من هذه الأمة الخشوع حتى لا ترى فيها خاشعاً»^۲. «اولین چیزی که از این امت برداشته می‌شود خشوع و فروتنی است تا جایی که هیچ خاشع و فروتنی را نمی‌یابی».

بعضی از سلف صالح گفته‌اند: نماز همانند کنیزکی است که به یکی از پادشاهان هدیه شود. آیا فرق نمی‌کند که کنیزک لنگ، کور، بی‌دست و پا، مریض، زشت، و یا مرده و بی‌روح باشد؟ پس انسان چه‌طور می‌تواند نمازی بی‌روح به خدا تقدیم کند و [چه‌طور] می‌خواهد خود را به خدا نزدیک کند، آیا چنین نمازی پذیرفته می‌شود؟ خداوند پاک است و پاک را می‌پذیرد و نماز بی‌روح و بی‌خشوع، پاک نیست و خداوند هم آن را نمی‌پذیرد. [چنین نمازی] شبیه آزاد کردن برده مرده است^۳.

۱- تفسیر ابن کثیر، (۱۲۵/۲).

۲- هیشمی در المجمع روایت کرده (۱۳۶/۲) از طبرانی.

۳- مدارج (۵۲۶/۱).

حکم خشوع

قول راجح این است که خشوع در نماز واجب است. شیخ الاسلام فرموده‌اند، خداوند در قرآن می‌فرماید:

﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَإِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ﴾ [البقرة: ۴۵].

«از نماز و صبر کمک بگیرید زیرا نماز سنگین است مگر بر فروتنان».

و این فرموده خداوند، غیرخشوع‌کنندگان را سرزنش می‌کند و این سرزنش هم به خاطر این است که انسان یا واجبی را ترک کرده و یا کار حرامی را انجام داده است. پس وقتی که خداوند غافلان و غیرخاشعین را سرزنش کرده است دلیل بر این است که خشوع و خضوع در عبادت واجب است و این آیه سوره مؤمنون دلیل بر وجوب خشوع است:

﴿قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ ۝ الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ﴾ [المؤمنون: ۱-۲].

«مؤمنان رستگار شدند * آنها که در نمازشان خشوع دارند».

و در ادامه می‌فرماید:

﴿أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ ۝ الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ [المؤمنون: ۱۰-۱۱].

«آنان وارثان هستند، همان کسانی که بهشت را به ارث می‌برند و جاودانه در آن ماندگارند».

خداوند خبر داده است که آنها بهشت را به ارث می‌برند و غیر از آنها کسی وارث بهشت نیست. وقتی که خشوع در نماز واجب است و متضمن سکون، آرامش و فروتنی است، پس کسی که در نماز مثل کلاغ منقار می‌زند خشوع ندارد و کسی هم که هنوز از رکوع بلند نشده به سجود می‌رود خاشع نیست زیرا در نمازش آرام نگرفته، و از شروط درست بودن نماز، طمأنینه و آرام گرفتن است، و تا در نماز سکون و آرامش وجود نداشته باشد خشوع هم به دست نمی‌آید، و کسی که خشوع نداشته باشد گناهکار و

عاصی است. دلیل بر واجب بودن خشوع حدیث پیامبر ﷺ است که سرزنش می‌کند کسی را که در نماز به آسمان می‌نگرد و از خود حرکات اضافی انجام می‌دهد زیرا [این اعمال] با خشوع در نماز مناسب نیست و چنین حرکاتی سبب از بین رفتن خشوع می‌شوند.^۱

پیامبر ﷺ درباره خشوع در نماز و فضیلت آن فرموده‌اند: «خداوند پنج فرض نماز بر انسان واجب کرده است،^۲ کسی که درست وضو بگیرد و نمازهایش را در وقت خود ادا کند و رکوع، سجود و خشوع آنها را به کمال انجام دهد خداوند متعهد می‌شود او را مورد آمرزش قرار دهد و کسی که چنان نکند خداوند با او تعهدی ندارد، اگر بخواهد او را می‌بخشد و اگر بخواهد او را عذاب می‌دهد».^۳

و باز هم رسول‌گرامی فرمودند: «مَنْ تَوَضَّأَ فَأَحْسَنَ الْوُضُوءَ ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يُقْبَلُ عَلَيْهِمَا بِقَلْبِهِ وَوَجْهِهِ [وفي رواية: لَا يُحَدِّثُ فِيهِمَا نَفْسَهُ] غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ [وفي رواية: إِلَّا وَجِبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ]».^۴ «کسی که درست وضو بگیرد، سپس با تمام وجود به خداوند روی آورد و دو رکعت نماز بخواند گذشته‌اش بخشیده می‌شود و در روایت دیگری وارد است که: بهشت بر وی واجب می‌شود».

اسباب خشوع و فروتنی در نماز بر دو قسم است:

۱- مجموع الفتاوی (۵۵۳/۲۲) ۵۵۸.

۲-

دعوت زاری است روزی پنج بار	بنده را که در نماز او بزار
نعره مؤذن که حیا علّ فلاح	و آن فلاح این زاری است و اقتراح
آن که خواهی کز غمش خسته کنی	راه زاری بر دلش بسته کنی
تا فرو آید بلا بی دافعی	چون نباشد از تضرّع شافعی
گفته اندر نبی کآن اُمتان	که برایشان آمد آن قهرِ گران

۳- رواه أبوداود در جامع صحیح.

۴- رواه أبوداود در جامع صحیح.

۱- آنچه که خشوع را ایجاد و تقویت می‌کند. ۲- از بین بردن آنچه که مانع خشوع می‌شود و آن را تضعیف می‌کند. شیخ الاسلام، ابن تیمیة رحمہ اللہ، آن را بر آنچه که سبب تقویت خشوع می‌شود تعبیر می‌کند و می‌فرماید: آنچه انسان را بر انجام خشوع یاری می‌رساند دو چیز است: (۱) قدرت متقاضی. (۲) از بین بردن مشغولیت‌ها.

اما اولی یعنی تقویت نیروی متقاضی، این است که بنده‌ای کوشش کند هر آنچه را که می‌گوید و انجام می‌دهد بفهمد و در قرائت و ذکر و دعا تدبر نماید و با تمام وجود - آن گونه که گویی او را می‌بیند - با خدایش مناجات کند، زیرا نمازگزار با خداوند مناجات می‌کند.

و احسان هم این است که رسول‌گرامی فرمودند: «أَنْ تَعْبُدَ اللَّهَ كَأَنَّكَ تَرَاهُ فَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَرَاهُ فَإِنَّهُ يَرَاكَ». «آن چنان خداوند را پرستش کن گویا او را می‌بینی و اگر تو وی را نمی‌بینی خداوند تو را می‌بیند». هر اندازه که بنده‌ای حلاوت و شیرینی نماز را بچشد بیشتر به سوی آن کشیده می‌شود و این امر متناسب با قوت ایمان اوست.

اسباب تقویت ایمان بسیار زیادند و به همین خاطر است که رسول‌گرامی صلی اللہ علیہ وسلم فرمودند: «سه چیز نزد من محبوب است، زن، عطر، و نور چشم من در نماز است». و در حدیث دیگر فرمودند: «أَرْحَنًا بِالصَّلَاةِ» «بلال ما را به نماز خوشحال کن». یعنی اذان بگو تا نماز بخوانیم و از شر دنیا راحت شویم.

اما دومی: از بین بردن مشغولیت‌ها، بدین صورت است که انسان کوشش کند خود را از مشغولیت‌های قلبی که افکار و خیالات پوچ و بیهوده است رها سازد و از هر آن چه که سبب دور شدن از هدف اصلی نماز است بپندیشد و آنها را از خود براند.^۱ و این

موانع به میزان مشغولیت هر انسانی وجود دارد، زیرا فراوانی وسوسه‌ها به فراوانی شبهه‌ها و شهوات بستگی دارد چون قلب در فکر از بین بردن موانع خواسته‌های خود است، پس بنابراین تقسیمات، مواردی از اسباب خشوع در نماز را بیان می‌کنیم.

الف - حریص بودن بر آن چه که خشوع را ایجاد و تقویت می کند.

۱- مهیا شدن برای ادامه نماز

لازم است جواب اذان را لبیک گوید و بعد از اذان این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ رَبِّ هَذِهِ الدَّعْوَةُ الثَّامَّةُ، وَالصَّلَاةُ الْقَائِمَةُ، آتِ مُحَمَّدًا الْوَسِيلَةَ وَالْفَضِيلَةَ، وَابْعَثْهُ مَقَامًا مُحَمَّدًا الَّذِي وَعَدْتَهُ، [إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ]»^۱.

«بار الها! ای پروردگار این ندای کامل و نماز بر پا شونده، به محمد ﷺ وسیله مقامی والا در بهشت و فضیلت عنایت بفرما، و او را به «مقام شایسته ای» که وعده فرموده ای نایل بگردان، همانا تو خُلف وعده نمی کنی».

و در میان اذان و اقامه دعا کردن و درست وضو گرفتن و قبل از وضو بسم الله گفتن و بعد دعا خواندن و «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ»^۲. و «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ»^۳. را گفتن، به مسواک توجه داشتن، و پاک کردن دهان که محل تلاوت قرآن است، زیرا پیامبر ﷺ فرموده اند: «ظَهَرُوا أَفْوَاهَكُمْ لِلْقُرْآنِ»^۴. «دهانتان را برای تلاوت قرآن پاک کنید». و لباس پاک و زیبا بپوشی، زیرا خداوند می فرماید:

﴿يَبْنِيْ عَادَمَ خُذُوْا زِيْنَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ﴾ [الأعراف: ۳۱].

۱- البخاري ۱۵۲/۱ و آنچه در بین گروه آمده از سنن بیهقی ۴۱۰/۱ روایت شده، و علامه عبدالعزيز ابن باز در کتاب (تحفة الأخیار ص ۳۸) سندش را حسن دانسته است.

۲- (شهادت می دهم که بجز الله، معبودی «بحق» وجود ندارد، یکتاست و شریکی برای او نیست، و شهادت می دهم که محمد، بنده و فرستاده ی اوست).

۳- یعنی: (پروردگارا! مرا از توبه کنندگان بگردان و جزو کسانی قرار ده که کاملاً طهارت می کنند و پاکیزه اند).

۴- رواه البزار وقال الهیثمی: رجاله ثقات وقال الالبانی: إسناده جید.

«ای آدمیزادگان، در هر عبادتگاهی خود را با لباس بیارایید».

خداوند ﷻ شایسته‌تر است که انسان خود را به خاطر وی بیاراید زیرا لباس نیکو و بوی خوش به انسان آرامش می‌بخشد. لازم است انسان با کمال ادب و زیبایی در مقابل پروردگارش بایستد. و پوشانیدن عورت، پاکی مکان نماز، وقار و سنگینی و اول وقت به سوی مساجد شتافتن را رعایت کند، با انگشتان بازی نکند و در انتظار نماز بنشیند و همچنین باید نظم صف را رعایت کند زیرا شیاطین می‌خواهند در میان صف نمازگزاران شکاف ایجاد کنند و صف‌های نماز را برهم بزنند.

۲- آرام گرفتن در نماز

پیامبر ﷺ در نماز چنان آرام می‌گرفت که با تمام اعضای بدنش راست می‌ایستاد و به کسی که بد نماز می‌خواند فرمودند: «لَا تَتِمُّ صَلَاةُ أَحَدِكُمْ حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِكَ»^۱. «نماز هیچ یک از شما به اتمام نمی‌رسد تا این که این کار را انجام دهد». یعنی مثال من نماز بگذارد. ابوقتاده رضی الله عنه روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «دزدترین مردم کسی است که از نمازش بدزدد، گفت: یا رسول‌الله، چگونه انسان از نمازش می‌دزدد؟ فرمودند: رکوع و سجودش را کامل به جا نمی‌آورد»^۲.

و ابو عبدالله اشعری روایت کرده است پیامبر خدا ﷺ فرمودند: «کسی که رکوع و سجود را کامل به جا نمی‌آورد، مانند گرسنه‌ای است که یک یا دو خرما می‌خورد اما گرسنگی او برطرف نمی‌شود و سودی به او نمی‌بخشد»^۳. پس کسی که در نماز آرام نمی‌گیرد فروتنی و خشوع ندارد زیرا عجله در نماز خشوع را از بین می‌برد و مانند کلاغ منقار زدن، اجر و ثواب را تباه می‌کند.

۱- رواه أبوداود.

۲- رواه احمد و حاکم.

۳- رواه الطبرانی فی الکبیر (۱۱۵/۴) وقال فی الصحیح الجامع: حسن.

۳- ذکر مرگ در نماز

پیامبر ﷺ فرمودند: «در نماز مرگ را به یاد بیاورید، زیرا کسی که در نماز مرگ را به یاد می آورد نمازش را خوب ادا می کند، و نماز را چنان بخوان که گویی بعد از آن نمازی نمی خوانی و آخرین نماز توست»^۱.

و در این مورد پیامبر ﷺ به ابو ایوب انصاری رضی الله عنه سفارش می کند: «اگر نماز خواندی آن گونه بخوان که گویا آخرین نماز تو و نماز خداحافظی است»^۲. یعنی مانند کسی باشد که بعد از آن می میرد، و بعد از مرگ نماز ساقط می شود، در نتیجه آخرین نماز است و لازم است در آن خشوع و فروتنی را رعایت کند زیرا انسان غیب نمی داند شاید این آخرین نماز او باشد.

۴- در آیات و اذکار نماز تدبر کردن

قرآن برای اندیشیدن و تدبر نازل شده، خداوند می فرماید:

﴿كَتَبْنَا أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا آيَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ [ص: ۲۹].

«این کتاب پربرکت را بر تو نازل کردیم تا در آیات آن بیندیشند و خردمندان باید متذکر شوند».

و تدبر ایجاد نمی شود مگر آن که معنی آن فهمیده شود. پس در آن می اندیشد و متأثر می شود و خداوند می فرماید:

﴿وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخْرُؤْا عَلَيْهَا ضُمًّا وَعُمْيَانًا﴾ [الفرقان: ۷۳].

«کسانی اند که چون آیات پروردگارشان تذکر داده شوند، کر و کور روی آن نمی افتند (بلکه با گوش دل می شنوند)».

از اینجاست که اهمیت توجه به تفسیر آیات روشن می شود.

۱- سلسلة الأحاديث الصحيحة البانی.

۲- رواه احمد.

ابن جریر می‌گوید: از کسی که قرآن را می‌خواند و تفسیر آن را نمی‌داند متعجب و شگفت‌زده می‌شوم، چه‌گونه از قرائت آن لذت می‌برد. چیزی که به تدبر زیاده‌تر کمک می‌کند تکرار آیات و تأمل در معنی آنهاست و پیامبر ﷺ این کار را می‌کرد. در روایتی آمده است که پیامبر ﷺ شبی نماز می‌خواند و تا صبح این آیه را تکرار می‌کرد:

﴿إِنْ تُعَذِّبْهُمْ فَإِنَّهُمْ عِبَادُكَ وَإِن تَغْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ﴾ [المائدة: ۱۱۸].

«اگر آنها را مجازات کنی، بندگان تواند. (و قادر به فرار از مجازات تو نیستند) و اگر آنان را ببخشی، توانا و حکیمی! (نه کیفر تو نشانه بی‌حکمتی است، و نه بخشش تو نشانه ضعف!)».

چیزی که به نمازگزار کمک می‌کند تا در نماز فروتن باشد هماهنگی با آیات قرآن است. حذیفه رضی الله عنه روایت می‌کند که شبی با پیامبر ﷺ نماز خواندم، وی بسیار روان و آرام قرآن تلاوت می‌کرد و وقتی که به آیه تسبیح می‌رسید «سبحان الله» می‌گفت، اگر به آیه رحمت می‌رسید از خداوند طلب رحمت می‌کرد، و وقتی به آیه عذاب می‌رسید به خداوند پناه می‌برد^۱.

شبی یکی از اصحاب پیامبر ﷺ به نام قتاده بن نعمان رضی الله عنه آیه: ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ را تلاوت و تکرار می‌کرد^۲. سعید بن عبیدالطائی گفت: شنیدم که سعد بن جبیر در ماه رمضان امامت می‌کرد و این آیه را بسیار تکرار می‌کرد:

﴿...فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ ﴿٧٠﴾ إِذِ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ ﴿٧١﴾ فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ ﴿٧٢﴾﴾ [غافر: ۷۰-۷۲].

«به زودی خواهند دانست وقتی که زنجیرها در گردن آنهاست و آنها را به سوی آتش جهنم می‌کشانند، در میان جوشاب، آن‌گاه در آتش برافروخته می‌شوند».

و قاسم می‌گوید: سعید بن جبیر را دیدم که شبی این آیه را تلاوت می‌کرد:

۱- رواه مسلم رقم.

۲- رواه البخاری.

﴿وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ﴾ [البقرة: ۲۸۱].

«و بترسید از روزی که در آن، به سوی خدا بازگردانده می‌شوید، سپس هر کسی پاداش آن‌چه را به دست آورده، تمام داده شود».

و حدود بیست و چند بار آن را تکرار می‌کرد.

و مردی به کنیه ابوعبدالله از قبیله قیس گفت: شبی نزد حسن بودیم وی برای نماز شب بیدار شد و در نماز مدام این آیه را تکرار می‌کرد:

﴿وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا﴾ [ابراهیم: ۳۴].

«اگر نعمت‌های خدا را بشمارید نمی‌توانید آنها را شمارش کنید».

صبح به او گفتیم: ابوسعید، چرا همین آیه را تکرار می‌کردی؟ گفت: می‌خواستم در آن تدبر کنم زیرا هر بار که آن را تکرار می‌کردم نعمت‌های خدا را که قابل شمارش نیستند به یاد می‌آوردم^۱.

هارون بن رباب الأسیدی نماز تهجد می‌خواند و این آیه را تکرار می‌کرد و تا صبح می‌گریست.

﴿يَلَيِّنَانَا نُرَدُّ وَلَا نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ﴾ [الأنعام: ۲۷].

«ای کاش، بار دیگر به دنیا برمی‌گشتیم و آیات خداوند را تکذیب نمی‌کردیم و جزو مؤمنان بودیم».

و چیز دیگری که به تدبر کمک می‌کند حفظ قرآن و ادای اذکار متنوع در ارکان مختلف نماز است.

بدون شک چنین کاری، یعنی تدبر، تفکر و تکرار آیات، از بزرگترین چیزهایی است که بر خشوع می‌افزاید همان‌طور که خداوند می‌فرماید:

﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [اسراء: ۱۰۹].

«بر زمین فرو می‌افتند و می‌گیرند و بر تواضع آنان می‌افزاید».

۱- کتاب التذکار فی فضل الأذکار، قرطبی.

در این جا داستانی بسیار مؤثر درباره خشوع می آورم.

عطاء روایت می کند: من و عبید بن عمیر به خدمت حضرت عایشه رسیدیم، ابن عمیر گفت: عجیب ترین چیزی که از رسول الله دیده ای چیست؟ حضرت عایشه گریست و گفت: شبی از شبها بیدار شد و گفت: عایشه مرا رها کن تا عبادت کنم. عایشه گفت: قسم به خدا دوست دارم نزد تو و چیزی که تو را خوشحال می کند باشم. پیامبر ﷺ بلند شد، وضو گرفت، سپس شروع به نماز کرد و چنان گریست که لباسش خیس شد، و به نماز و گریستن ادامه داد تا اشک سرازیر شد و زمین را خیس کرد.^۱ بلال خواست اذان بگوید وقتی که پیامبر ﷺ را دید که گریه می کند گفت: یا رسول الله، گریه می کنی در حالی که خداوند گناهان اول و آخرت را بخشیده است؟ پیامبر فرمود: آیا بنده شکرگزاری نباشم، دیشب آیاتی بر من نازل شد، وای بر کسی که آنها را بخواند و در آنها تفکر و تدبر نکند:

﴿إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ﴾ [آل عمران: ۱۰۹].

«مسلماً در آفرینش آسمانها و زمین، و آمد و رفت شب و روز، نشانه های (روشنی) برای خردمندان است».

جواب دادن و هماهنگ شدن با آیات قرآن این است که بعد از قرائت سورة فاتحه آمین بگوید زیرا که اجر بسیار بزرگی دارد. پیامبر ﷺ فرمودند: «وقتی که امام آمین گفت

پنج وقت آمد نماز و رهنمون	عاشقان را فی صلاة دائمون
نه به پنج آرام گیرد آن خمار	که در آن سرهاست نی پانصد هزار
نیست «زُرْعَباً» وظیفه عاشقان	سخت مستسقی است جان صادقان
نیست زرعباً وظیفه ماهیان	زان که بی دریا ندارند انس جان
آب این دریا که هایل بقعه ای است	با خمار ماهیان خود جرعه ای است ...
جز خضوع و بندگان و اضطراب	اندرین حضرت ندارد اعتبار

شما هم آمین بگویید زیرا کسی که آمین وی با آمین ملائکه هماهنگ باشد گناهان گذشته‌اش بخشیده می‌شوند.^۱ و هماهنگ شدن با امام وقتی که می‌گوید: «سمع الله لمن حمده»، مأموم بگوید: «ربنا ولك الحمد»، که اجر بس بزرگی دارد، زیرا رفاعه بن رافع الزرقی رضی الله عنه گفت: روزی پشت سر پیامبر نماز خواندیم وقتی که از رکوع بلند شد و گفت: «سمع الله لمن حمده» مردی پشت سر پیامبر گفت: «ربنا ولك الحمد حمداً كثيراً طيباً مباركاً فيه» وقتی پیامبر از نماز فارغ شد گفت: چه کسی بود؟ آن مرد گفت: من بودم یا رسول الله، پیامبر فرمود: سی و اندی ملائکه را دیدم که از یکدیگر پیشی می‌گرفتند تا اجر و ثوابش را زودتر بنویسند.

۵- قرآن را آیه به آیه و به تائی بخواند

چنین روشی برای فهمیدن و اندیشیدن در آیات بهتر است، زیرا مطابق سنت پیامبر صلی الله علیه و آله است، همچنان که ام سلمه روایت می‌کند که قرائت پیامبر صلی الله علیه و آله بدین صورت بود: ابتدا ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^(۱) می‌گفت، سپس توقف می‌کرد بعد ادامه می‌داد: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾^(۲) توقف می‌کرد، ادامه می‌داد: ﴿الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾^(۳) باز توقف می‌کرد و بعد ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾^(۴) قرائت پیامبر آیه به آیه بود.^۲

اگر ابتدای آیه یا آخر آیه توقف کند بهتر است هر چند که معنی آن آیه با آیه بعدی مرتبط باشد.

۶- قرآن را با ترتیل و صوت خوب تلاوت کند

خداوند می‌فرماید:

۱- رواه البخاری رقم ۷۴۷.

۲- رواه ابوداود.

﴿وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا﴾ [المزمل: ۴].

«و قرآن را شمرده و روشن و با تأمل و دقت بخوان».

قرائت پیامبر ﷺ بسیار واضح و با ترتیل بود و هنگامی که سوره‌ای را با ترتیل می‌خواند طولانی‌تر می‌شد، تلاوت قرآن بدین روش به خشوع و تدبر نزدیکتر است تا این که با عجله و شتاب خوانده شود.

و چیز دیگری که به خشوع می‌افزاید صوت زیباست. رسول خدا ﷺ در این مورد فرموده‌اند: «زینوا القرآن بأصواتکم فإن الصوت الحسن یزید القرآن حسناً». «قرآن را با صوت زیبای خود زینت دهید زیرا صدای نیکو قرآن را زیباتر می‌کند»^۱. و منظور از صدای نیکو این نیست که مانند لحن اهل فسق بخواند، بلکه زیبایی صوت به همراه حزن باشد همچنان که رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «إِنَّ مِنْ أَحْسَنِ النَّاسِ صَوْتًا بِالْقُرْآنِ الَّذِي إِذَا سَمِعْتُمُوهُ يَقْرَأُ حَسِبْتُمُوهُ يَخْتَلِي اللَّهَ»^۲. «زیباترین صوت، صوت کسی است که وقتی قرآن می‌خواند گمان می‌برید که از خداوند می‌ترسد».

۷- بداند که خداوند صدای او را می‌شنود

پیامبر ﷺ گفت: خداوند فرمودند: نماز را میان خود و بندهام تقسیم کرده‌ام و آن چه می‌خواهد به او عطا می‌کنم. وقتی که بنده می‌گوید: ﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ خداوند می‌گوید: بندهام مرا ستود، و وقتی که می‌گوید: ﴿الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ﴾ خداوند می‌گوید: بندهام مرا ستایش کرد، و وقتی که می‌گوید: ﴿مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ﴾ می‌گوید: مرا تعظیم و تمجید کرد، و وقتی که می‌گوید: ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ می‌گوید: این میان من و بندهام است، و آن چه بخواهد به او می‌بخشم، و وقتی که بگوید: ﴿أَهْدِنَا

۱- أخرجه الحاكم.

۲- رواه ابن ماجه.

الصَّارِطُ الْمُسْتَقِيمَ ﴿٦﴾ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ﴿٧﴾^۱ می‌گوید: این از آن بنده‌ام است، و آن‌چه خواست به او عطا می‌کنم.^۱

این حدیث پرمعنایی است که اگر هر نمازگزاری آن را مدنظر قرار دهد خاشع و فروتن می‌شود و می‌فهمد که سورة فاتحه اثر بسیار بزرگی می‌گذارد زیرا احساس می‌کند که با خداوند صحبت می‌کند و خداوند نیازهای او را برآورده می‌سازد، پس سزاوار است که نمازگزار این مناجات را بزرگ جلوه دهد و بسیار به آن توجه کند زیرا رسول خدا ﷺ فرموده‌اند: «إِنْ أَحَدُكُمْ إِذَا قَامَ يُصَلِّيَ إِنَّمَا يَقُومُ يَنَاجِي رَبَّهُ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ يَنَاجِيهِ»^۲. «قتی که یکی از شما برخاست نماز بخواند، با خداوند مناجات می‌کند پس باید بداند که چگونه مناجات می‌کند».

۸- روبروی ستره و نزدیک به آن نماز بخواند

از عوامل بسیار مفید که بر خشوع نماز می‌افزاید توجه به ستره و در نزدیک آن نماز خواندن است زیرا دید نمازگزار را کم می‌کنند و او را از شر شیطان و رفت‌وآمد مردم دور نگه می‌دارد و اینها ذهن نمازگزار را مشوش و اجر و ثوابش را کمتر می‌کند، پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ فَلْيُصَلِّ إِلَى سُتْرَةٍ وَلْيَدْنُ مِنْهَا»^۳. «هنگامی که یکی از شماها نماز خواند روبروی ستره و نزدیک به آن نماز بخواند». نزدیکی به ستره فواید فراوانی دارد، پیامبر ﷺ، باز هم، در این مورد می‌فرماید: «إِذَا صَلَّى أَحَدُكُمْ إِلَى سُتْرَةٍ فَلْيَدْنُ مِنْهَا لَا يَقْطَعْ الشَّيْطَانُ عَلَيْهِ صَلَاتَهُ»^۴. «هنگامی که یکی از شماها روبروی ستره نماز خواند به آن نزدیک شود تا شیطان نمازش را قطع نکند». پس سنت است که نمازگزار تا حدی به ستره

۱- رواه مسلم.

۲- مستدرک حاکم.

۳- رواه أبوداود.

۴- رواه أبوداود.

نزدیک شود که میان او و ستره سه ذراع فاصله باشد یعنی این فاصله به اندازه رد شدن یک گوسفند باشد. همان‌طور که در احادیث صحیح به آن اشاره شده و رسول‌الله ﷺ در این باره دستور داده است که: نمازگزار نباید اجازه دهد کسی میان او و ستره‌اش رد شود. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «هنگامی که یکی از شما نماز می‌خواند اجازه ندهد کسی از مقابل او بگذرد و اگر کسی رد شد او را منع کند، اگر امتناع ورزید او را بزند زیرا شیطان همراه اوست»^۱. امام نووی در شرح این حدیث می‌فرماید: «حکمت ستر در این است که چشم نمازگزار را از نگاه کردن حفظ می‌کند و نمی‌گذارد کسی از جلوی او رد شود و شیطان را از تعرض به او برای ابطال نماز بازمی‌دارد»^۲.

۹- دست راست بر دست چپ بنهد و روی سینه نگاه دارد

هرگاه پیامبر ﷺ نماز می‌خواند دست راست را بر چپ می‌نهاد و روی سینه قرار می‌داد، و فرموده‌اند: «ما پیامبران، مأموریم در نماز، دست راست را بر چپ بگذاریم»^۳. از امام احمد سؤال شد: چرا در نماز باید دست راست را روی دست چپ گذاشت؟ فرمود: این نهایت ذلت در مقابل خداوند عزیز است. ابن جعفر گفت: علماء گفته‌اند: حکمت این حالت صفت سائل ذلیل در مقابل خداوند عزیز است و چنین حالتی نمازگزار را از کارهای بیهوده دور می‌کند و به خشوع نزدیکتر است^۴.

۱- رواه مسلم.

۲- شرح مسلم جلد ۴ صفحه ۲۱۶.

۳- رواه الطبرانی.

۴- فتح الباری ابن حجر.

۱۰- در نماز فقط به سجده گاهش بنگرد

از عایشه رضی الله عنها روایت شده است: «کان رسول الله ﷺ إذا صلی طأطأ رأسه ورمی ببصره نحو الأرض»^۱. «پیامبر خدا ﷺ در نماز سرش را پایین می آورد و به سجده گاهش می نگریست». و وقتی که داخل کعبه شد و دو رکعت نماز خواند به سجده گاهش نگاه می کرد، و تا در حال نماز بود به جای دیگری نگاه نمی کرد، و وقتی که برای تشهد می نشست انگشت مسبحة را حرکت می داد و به آن می نگریست و در روایتی دیگر آمده است که به انگشت سبابه در وقت تشهد اشاره می کرد و دقیقاً به آن نگاه می کرد^۲.

سؤال: در این جا سؤالی مطرح است که از اذهان خیلی از نمازگزاران گذشته و آن این است: حکم «چشم بستن در نماز» خصوصاً وقتی که انسان احساس می کند این کار به خشوع در نماز می افزاید چیست؟

جواب: همچنان که قبلاً ذکر شد خلاف سنت رسول الله ﷺ است زیرا این کار سنت نگاه به سجده گاه و انگشت مسبحة را از او می گیرد. در این جا علامه، ابی عبدالله ابن القیم، امر را روشن تر و واضح بیان می فرماید: چشم فرو بستن در نماز از سنت پیامبر ﷺ نیست زیرا قبلاً گفته شد که رسول الله ﷺ در تشهد به سجده گاه و انگشت سبابه اش نگاه می کرد و بسیاری از روایات و احادیث بر این سنت پیامبر دلالت می کنند از جمله در نماز کسوف پیامبر ﷺ دست های خود را چنان دراز می کرد گویا بهشت را به چشم خود می بیند و از میوه های آن می چیند و جهنم و صاحب گریه را در آن می بیند. و در حدیث است که حیوانی خواست از جلوی وی که در حال نماز بود رد شود، آن را دور کرد و پسربچه و دخترکی که از جلوی نمازش رد می شدند منع کرد، و کسی که در حال نماز بر پیامبر ﷺ وارد شد و سلام کرد با دست مبارکش جواب سلام وی را می داد، پس [بر ما

۱- رواه الحاكم و وافقه الالبانی، صفة الصلاة ص: ۸۹

۲- رواه امام احمد و ابوداود.

مشخص می‌شود] تا کسی را نمی‌دید نمی‌توانست که به وی اشاره کند و جواب دهد. این احادیث و امثال آن بر این امر دلالت می‌کنند که رسول‌الله ﷺ در نماز نه تنها چشمانش را نمی‌بست بلکه به سجده‌گاهش نیز نگاه می‌کرد. اما در این مورد در میان علماء و فقهاء اختلاف وجود دارد. امام احمد رحمه الله چشم بستن را مکروه می‌داند و می‌گوید: این کار یهود است. اما جماعت دیگر آن را مکروه نمی‌دانند و معتقدند که مباح است. اما قول صواب و درست این است: اگر چشم باز به خشوع و خضوع نماز خللی وارد نمی‌آورد این بهتر است، اما اگر روبروی او تصاویر و یا چیزهای دیگر از زخارف وجود دارد که سبب از بین رفتن خشوع در نماز می‌شود نه تنها هیچ‌گونه کراهتی ندارد که چشم را ببندد، بلکه چشم بستن در چنین حالتی به مقاصد شرع نزدیکتر است^۱. پس روشن شد سنت این است که نمازگزار چشمانش را نبندد مگر این که چیزی وجود داشته باشد که بر خشوع در نماز آسیب برساند.

۱۱- اشاره با انگشت سبابه

بسیاری از نمازگزاران این امر مهم غافلند و فایده بزرگ آن را نمی‌دانند که این امر در خشوع نماز مؤثر است. پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «لَيْحَى أَشَدُّ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الْحَدِيدِ»^۲. «اشاره با انگشت سبابه در وقت تشهد از پتک آهن زدن بر شیطان سخت‌تر است». این کار شیطان را به خشم می‌آورد، زیرا بنده را به یاد وحدانیت خدا و اخلاص در عبادت می‌اندازد و انسان نمازگزار را متوجه یکتایی خداوند می‌کند و یاد خدا بزرگترین چیزی است که شیطان از آن متنفر است - نعوذ بالله من الشيطان الرجيم -.

و به خاطر این فایده عظیم، بسیاری از اصحاب در این مورد به یکدیگر وصیت می‌کردند و یکدیگر را تشویق و ترغیب و سفارش می‌کردند و بدان متعهد می‌شدند که

۱- زاد العمار ۲۹۳/۱.

۲- رواه احمد پسند حسن.

حتماً در تشهد و دعا به انگشت سبابه اشاره کنند و آن را به حرکت درآورند.^۱ و سنت بر این است که نمازگزار انگشت سبابه‌اش را در طول تشهد بالا بگیرد و به آن اشاره کند.

۱۲- تنوع سُور، آیات، اذکار و ادعیه در نماز

این تنوع ایجاد معانی و مقاصد سوره‌ها و اذکار را در ذهن نمازگزار تجدید می‌کند و معانی تازه و جدید به ذهنش متبادر می‌نماید و کسی که بسیاری از سُور و اذکار را حفظ نداشته باشد از این نعمت محروم است، زیرا ایجاد تنوع از سنت است و به خشوع و خضوع نزدیکتر و نماز را کاملتر می‌کند و اگر در نمازهای رسول‌الله ﷺ تأمل کنیم این تنوع را به صورت واضح و آشکار می‌بینیم. در دعا‌های استفتاح پیامبر ﷺ اذکار و اوراد مختلفی وارد شده که خواندن همه آنها صحیح است. مثلاً:

الف) «اللَّهُمَّ بَاعِدْ بَيْنِي وَبَيْنَ خَطَايَايَ كَمَا بَاعَدْتَ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، اللَّهُمَّ نَقِّنِي مِنَ الْخَطَايَا كَمَا يُنَقَّى الثَّوْبُ الْأَبْيَضُ مِنَ الدَّنَسِ، اللَّهُمَّ اغْسِلْ خَطَايَايَ بِالْمَاءِ وَالْثَّلَجِ وَالْبَرْدِ».

ب) «وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا مُسْلِمًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ إِنَّ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ لَا شَرِيكَ لَهُ وَبَدَّلِكَ أُمْرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ».

ج) «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِكَ، وَتَبَارَكَ اسْمُكَ، وَتَعَالَى جَدُّكَ، وَلَا إِلَهَ غَيْرُكَ».

و امثال این ادعیه و اذکار وارد شده است و نمازگزار می‌تواند برای تنوع یکبار این را و یکبار آن را بخواند، پیامبر ﷺ در نماز صبح سوره‌هایی از جمله طوال مفصل، مثل واقعه، طور، قاف و قصار مفصل، مثل إذا الشمس كورت، زلزله و معوذتین، و در روایت وارد شده است که بعضی اوقات سوره انسان را در نماز صبح تلاوت می‌کرد.

۱- رواه ابن ابی شیبہ بسند حسن كما فی صفة الصلاة.

و وارد شده است که در نماز ظهر در هر رکعت به اندازه ۳۰ آیه تلاوت می‌کرد و سورة طارق، بروج، و الليل و إذا يغشى را می‌خواند.

و در نماز عصر در هر رکعت از دو رکعت اول به اندازه ۱۵ آیه و یا همانند سوره‌های قبل را می‌خواند.

در نماز مغرب قصار المفصل مانند سوره‌های تین، محمد، طور و مرسلات و امثال آنها را می‌خواند.

در نماز عشاء از اوساط مفصل مانند والشمس وضحها، إذا السماء انشقت، را می‌خواند و به صحابی جلیل، معاذ رضی الله عنه دستور می‌داد که سورة اعلی، قلم، و واللیل إذا يغشى را بخواند.

در قیام اللیل سُوره‌های طولانی را تلاوت می‌کرد و در روایت وارد شده است که بعضی اوقات ۱۵۰ تا ۲۰۰ آیه، و بعضی اوقات سُوره‌های کوتاه می‌خواند. و اذکار و اوراد رکوعش متنوع بوده است، مثلاً «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ»، «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ»، «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ»، «اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَعَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ أَنْتَ رَبِّي خَشَعَ سَمْعِي وَبَصَرِي وَدَمِي وَلَحْمِي وَعَظْمِي وَعَصَبِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

و در وقت برخاستن از رکوع «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ»، «رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ» و بعضی اوقات «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ». «اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَلَكَ الْحَمْدُ». می‌گفتند و بعضی اوقات: «مِلْءَ السَّمَوَاتِ، وَمِلْءَ الْأَرْضِ وَمِلْءَ مَا شِئْتَ مِنْ شَيْءٍ بَعْدُ». می‌افزودند و اضافه می‌کردند: «أَهْلَ الثَّنَاءِ وَالْمَجْدِ اللَّهُمَّ لَا مَانِعَ لِمَا أَعْطَيْتَ، وَلَا مُعْطِي لِمَا مَنَعْتَ، وَلَا يَنْفَعُ ذَا الْجَدِّ مِنْكَ الْجَدُّ».

و در سجده «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى». و «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ». می‌افزودند و می‌گفتند: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ، رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ». و «سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا وَبِحَمْدِكَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي». و «اللَّهُمَّ لَكَ سَجَدْتُ وَبِكَ آمَنْتُ وَلَكَ أَسْلَمْتُ وَأَنْتَ رَبِّي سَجَدَ وَجْهِي لِلَّذِي

خَلَقَهُ وَصَوَّرَهُ وَشَقَّ سَمْعَهُ وَبَصَرَهُ تَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ». و امثال اینها و ...
در نشستن بین دو سجده اضافه می‌کرد: «رَبِّ اغْفِرْ لِي رَبِّ اغْفِرْ لِي». و می‌گفتند:
«اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وارحمي، واجبرني، وارفعني، واهدني، وارزقني».

و در تشهد چند صیغه از اذکار و اوراد وارد شده مثلاً: «التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ
وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ...». و همان‌طور وارد شده است: «التَّحِيَّاتُ
المباركات، والصلوات الطيبات لله، السلام عليك أيها النبي» و یا وارد شده است که:
«التَّحِيَّاتُ الطَّيِّبَاتُ الصَّلَوَاتُ لِلَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ». می‌خواند.

بنابراین، نمازگزار می‌تواند از هر کدام از صیغه‌های متنوع که خواست بخواند. در
سلام و درود بر پیامبر ﷺ صیغه‌های متنوعی وارد شده است: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ، وَعَلَى
آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ بَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ،
وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ». و باز، وارد شده
است که می‌گفتند: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى
آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَعَلَى أَزْوَاجِهِ وَذُرِّيَّتِهِ كَمَا بَارَكْتَ
عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

و باز وارد شده است که: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا صَلَّيْتَ
عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ وَعَلَى آلِ مُحَمَّدٍ، كَمَا بَارَكْتَ عَلَى
إِبْرَاهِيمَ وَعَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ».

و همچنین صیغه‌های متنوع دیگری وارد شده است، و ایرادی نیست اگر نمازگزار بر
بعضی از آنها بیشتر مواظبت کند زیرا بعضی از آنها از جهت ثبوت و شهرت در کتب
«صحاح» وارد شده‌اند، یا اینکه وقتی اصحاب از کیفیت آن سؤال می‌کردند، این چنین آنها
را تعلیم می‌داد و صیغه‌های معینی برای آنها می‌گفت و بیان می‌کرد^۱.

۱- تمامی احادیثی که آورده شد در کتاب صفة صلاة النبي ناصرالدین البانی وجود دارند.

۱۳- سجده تلاوت

از آداب تلاوت قرآن این است که اگر نمازگزار به آیه سجده رسید، سجده به جا آورد، زیرا خداوند، پیامبران و صالحین را به این وصف ستوده است: ﴿إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا﴾ [مریم: ۵۸]. «هرگاه آیات خدای رحمان برای آنها خوانده شود سجده‌کنان و گریان به خاک می‌افتند». ابن کثیر در تفسیرش می‌گوید: علماء بر مشروع بودن سجده تلاوت متفق‌القولند. و سجده تلاوت در نماز بسیار عظیم و بر خشوع و فروتنی نماز می‌افزاید و خداوند عزوجل می‌فرماید: ﴿وَيَخِرُّونَ لِلْأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا﴾ [اسراء: ۱۰۹]. «بر چهره‌ها فرو می‌افتند و می‌گریند و بر تواضع آنان می‌افزاید». و در حدیث آمده است که رسول‌الله ﷺ سورة نجم را در نماز خواند و سجده تلاوت را به جا آورد. و امام بخاری رحمه الله در «صحیح» خود از ابورافع روایت می‌کند که گفت: با ابوهریره نماز عشاء خواندم و او سورة ﴿إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ﴾^۱ را تلاوت کرد، سپس سجده کرد، به او گفتم: چرا سجده کردی، گفت: پشت سر رسول‌خدا نماز می‌خواندم که سجده کرد پس من هم تا وقتی که با رسول‌الله ملاقات کنم سجده می‌کنم.^۱ لازم است نمازگزار بر این سنت مؤکد بسیار مواظبت کند چون سجده تلاوت شیطان را دور می‌کند و او را خوار و ذلیل می‌گرداند و کید او را برملا و ضعیف می‌کند. ابوهریره روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا قَرَأَ ابْنُ آدَمَ السَّجْدَةَ فَسَجَدَ اعْتَزَلَ الشَّيْطَانُ يَبْكِي يَقُولُ يَا وَيْلَهُ أَمَرْتُ ابْنَ آدَمَ بِالسُّجُودِ فَسَجَدَ فَلَهُ الْجَنَّةُ وَأَمَرْتُ بِالسُّجُودِ فَأَبَيْتُ فَلِيَ النَّارُ»^۲. «وقتی انسان به سجده تلاوت رسید و سجده کرد، شیطان دور می‌شود و می‌گرید و می‌گوید: وای بر من، انسان مأمور به سجده شد، سجده کرد پس بهشت از آن اوست و من مأمور به سجده شدم و سجده نکردم پس جای من جهنم است».

۱- رواه البخاری.

۲- رواه الإمام مسلم فی صحیحہ.

۱۴- پناه بردن به خدای عزوجل از شر شیطان

شیطان دشمن انسان و از جمله دشمنی‌های وی وسوسه است. شیطان در نماز ما را دچار وسوسه می‌کند تا نماز ما را بر هم بزند و خشوع آن را از بین ببرد. این وسوسه‌گر به سوی کسی می‌آید که به خدای روی آورده و به یاد او باشد. بر مؤمن است ثابت قدم و شکیبیا و ملازم ذکر خدا و نماز باشد و درمانده و عاجز نشود، زیرا این ملازمت، شیطان را از او مأیوس و منصرف می‌کند چون خداوند خود می‌فرماید:

﴿إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ [النساء: ۷۶].

«مکر و حيلة شیطان ضعیف است».

هرگاه بنده خدا بخواهد با تمام وجود به خدا روی آورد شیطان با انواع وسوسه‌ها و از هر دری وارد می‌شود، چون ابلیس، همانند دزدِ گردنه است، هرگاه بنده‌ای بخواهد به خدا روی آورد راه را بر او می‌بندد. و به همین خاطر است که به بعضی از سلف گفته شد: می‌گویند ما دچار وسوسه نمی‌شویم، گفته‌اند: راست می‌گویند شیطان کاری به خانه ویران ندارد و خانه‌های آباد را خراب می‌کند.^۱

در این مورد مثال زیبایی ذکر کرده‌اند و می‌گویند که سه خانه وجود دارد. اولی خانه پادشاهی که پر از جواهر، زینت‌آلات و طلا و نقره است، و دومی خانه برده‌ای که وسای و جواهرات برده در آن هست، و سومی خانه‌ای خالی است که هیچ چیزی در آن نیست اگر دزد بیاید از کدام خانه می‌دزد؟

هنگامی که بنده به سوی اقامه نماز می‌رود شیطان خشمگین می‌شود و بر او غیرت و حسادت می‌ورزد، زیرا در بزرگترین و نزدیکترین مکان به خدا و سخت‌ترین جبهه در مقابل شیطان ایستاده است، به همین دلیل، ابلیس تلاش و کوشش دارد تا او را منصرف نماید و به او وعده می‌دهد، و به این طریق او را به فراموشی دچار می‌کند و با نیروهای

سواره و پیاده‌اش علیه او مسلح می‌شود تا نمازش را خراب و تباه کند و او را به ترک نماز بخواند. اگر از این طریق، مأیوس شد و بنده از او سرپیچی کرد و در آن مقام بزرگ ایستاد، ابلیس باز هم مأیوس نمی‌شود و تلاش می‌کند تا وسوسه‌ای به دل او بیندازد و میان او و قلبش مانع و حائل ایجاد کند. به همین دلیل در نماز چیزهایی را به یاد او می‌آورد که قبلاً هم در فکر آنها نبوده است، یا حتی بعضی اوقات نمازگزار چیزی را فراموش کرده و شیطان در نماز به یادش می‌آورد تا دل او را مشغول و از خداوند غافل کند و بدون خشوع و حضور قلب نماز را به اتمام برساند. شیطان این‌گونه، بهره‌ای از نماز او گرفته است، چون نمازی می‌تواند کارساز و آمرزنده گناهان باشد که با خشوع و فروتنی کامل ادا شود.^۱

رسول الله ﷺ ما را برای مقابله با شیطان و از بین بردن وسوسه‌هایش راهنمایی می‌کند، ابی‌العاصؓ گفت: یا رسول الله، شیطان بین من و نمازم مانع می‌شود و وسوسه‌ام می‌کند و قرائتم را به هم می‌زند، چه کار کنم؟ رسول خدا فرمودند: «ذَاكَ شَيْطَانٌ يُقَالُ لَهُ خِنْزَبٌ فَإِذَا أَحْسَسْتَهُ فَتَعَوَّذْ بِاللَّهِ مِنْهُ وَاتَّقِلْ عَلَى يَسَارِكَ ثَلَاثًا». «این شیطان فتنه‌گر است و هرگاه چنین احساس کردی از شر او به خدا پناه ببر و سه بار به طرف چپ تف بینداز». ابی‌العاص گفت: این کار را کردم، شیطان از من دور شد.^۲

رسول الله ﷺ ما را از وسوسه‌های شیطان و راه علاج آن آگاه می‌کند: «إِنَّ أَحَدَكُمْ إِذَا قَامَ يُصَلِّيَ جَاءَهُ الشَّيْطَانُ فَلَبَسَ عَلَيْهِ، حَتَّى لَا يَدْرِي كَمْ صَلَّى، فَإِذَا وَجَدَ أَحَدُكُمْ ذَلِكَ فَلْيَسْجُدْ سَجْدَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ».^۳ «اگر یکی از شما برای نماز برخاست و شیطان او را وسوسه کرد و ندانست که چند رکعت نماز خوانده است، در آخر، دو بار سجده کند». و باز

۱- الوابل الصیب.

۲- رواه مسلم.

۳- رواه البخاری، کتاب السهو.

رسول الله ﷺ از فریب‌های شیطان ما را خبر می‌دهد: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَوَجَدَ حَرَكَةً فِي دُبُرِهِ أَحَدَثَ أَوْ لَمْ يُحْدِثْ، فَأَشْكَلَ عَلَيْهِ فَلَا يَنْصَرِفُ حَتَّى يَسْمَعَ صَوْتًا أَوْ يَجِدَ رِيحًا»^۱. «هرگاه یکی از شما در نماز احساس کرد که بادی از او خارج شده و دچار شک و تردید گردید، نمازش را قطع نکند مگر «صدایی» بشنود یا «بویی» به مشامش برسد». همان‌طور که در حدیث مذکور آمده است، مکر و نیرنگ شیطان بسیار عجیب است. از ابن عباس روایت است که پیامبر ﷺ [از اصحاب] در مورد مردی که گمان دارد در نماز بی‌وضو شده است و حال آن که این طور نیست پرسید، و خود فرمودند: شیطان به سوی یکی از شما می‌آید و او را وسوسه می‌کند و وی گمان دارد بی‌وضو شده است، حال آن‌که چنین نیست. اگر چنین حالتی برای شما پیش آمد هرگز از ادامه نماز منصرف نشوید مگر به گوش خودتان «صدایی» بشنوید و یا به بینی خود «بویی» احساس کنید^۲.

سؤال: در این جا بعضی از خدعه‌های شیطانی وجود دارد، شیطان به سوی بعضی از نمازگزاران می‌رود و آنها را از روح نماز دور می‌کند، در نماز بعضی از مسائل دعوت علمی را به یاد آنها می‌آورد تا ذهن آنها را به آن مشغول و از نماز غافل کند، و بسیاری از مقاصد و خشوع و خضوع نماز را از آنها می‌گیرد و این افراد به این عمل سیدنا، عمر رضی الله عنه، استدلال می‌کنند که در نماز لشکر را آماده جهاد می‌کرد، شیخ الاسلام، ابن تیمیه، به این شبهه جواب می‌دهد و می‌فرماید: آنچه از سیدنا عمر رضی الله عنه روایت شده که فرموده است: «وَإِنِّي لِأُجَهِّزُ جَيْشِي وَأَنَا فِي الصَّلَاةِ». به این خاطر بود که عمر رضی الله عنه، امیر مؤمنان و مأمور به جهاد و فرمانده جهاد بود و همانند کسی بود که در مقابل با دشمن نماز خوف می‌خواند - چه در حال قتال و جنگ باشد و یا نباشد - ایشان مأمور به نماز و جهاد بودند پس بر او واجب است که هر دو امر واجب و فرض را به جا بیاورد چنان که خدا

۱- رواه مسلم.

۲- رواه الطبرانی.

فرموده‌اند:

﴿يَتَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ﴾ [الأنفال: ۴۵].
 «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هنگامی که با گروهی برخورد کردید ثابت قدم باشید و بسیار یاد خدا کنید، باشد که رستگار شوید».

معلوم می‌شود که طمأنینه و آرامش قلبی در نماز با آرامش در حال جهاد برابر نیست و اگر فرض کنیم به خاطر جهاد مقداری از خشوع نماز کم می‌شود دلیل بر نقص ایمان و نماز نیست زیرا چنین شخصی، در هر حال مثل عمر رضی الله عنه در عبادت است و به همین خاطر است که نماز خوف نسبت به نماز در حال آرامش تخفیف پیدا کرده است و خداوند در وصف نماز خوف فرموده است: ﴿فَإِذَا أَطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ [النساء: ۱۰۳].

«هنگامی که آرامش یافتید و به حالت عادی برگشتید نماز را تمام و کمال برپای دارید همانا نماز بر مؤمنان واجب و دارای اوقات معین است».

متوجه می‌شویم اقامه نماز آن‌چنان که در حالت امنیت و آسایش به آن امر شده در حالت خوف بدان امر نشده است، یعنی خشوعی که در حالت آسایش و امنیت لازم دارد در شرایط جنگ و خوف ندارد و انسان هم بدان مکلف نیست. با این وجود مردم متفاوتند، کسی که ایمان قوی دارد در نماز دارای حضور قلب است و در آن تدبر و تأمل می‌کند. سیدنا عمر رضی الله عنه کسی بود که خداوند حق را بر زبان و دل او جاری می‌کرد و به او الهام می‌شد. پس جای انکار نیست که شخصی مثل عمر رضی الله عنه در نماز هم تدبیر جیوش کند و هم در نماز حضور قلب داشته باشد هر چند که اگر تدبیر جیوش و یا چیز دیگر در نماز نباشد نماز با خشوع و قوت بیشتری اداء می‌شود، و جای شک و گمان نیست که نماز در حال آسایش و امنیت از نماز در حالت خوف کاملتر بوده است، و وقتی که خداوند از بعضی واجبات ظاهری در حالت خوف می‌گذرد حتماً از بعضی حالات باطنی هم می‌گذرد و حرجی در آن نیست.

و خلاصه، فکر کردن نمازگزار در نماز در مورد امری که بر او واجب و وقت هم تنگ است مانند فکر کردن در مورد چیزهای دیگر نیست، زیرا وقت برای سیدنا عمر رضی الله عنه تنگ بودند، و وقت دیگری هم برای فکر نداشت زیرا امام امت بود و حوادث و مشکلات وارد بر او بسیار زیاد بود و هر انسان نمازگزار به حسب مرتبت و مقام و منزلتش چنین حالتی بر او عارض می‌شود و در نماز چیزهایی به ذهنش می‌رسد که در غیر نماز به ذهنش نمی‌رسد و معلوم است که بعضی از آنها از شیطان است مانند مردی که مالش در جایی پنهان کرده بود و فراموش کرد که کجاست و پیدا کردنش هم بسیار مشکل بود، بعضی از سلف صالح به او گفتند: برخیز و نماز بخوان. بلند شد و نماز خواند، بلافاصله در نماز به یادش آمد که مالش را کجا پنهان کرده است. به او گفته شد: از کجا دانستی که در نماز به یادش می‌آید؟ گفت: می‌دانستم که شیطان در نماز او را رها نمی‌کند تا این که بهره‌ای از نماز او بگیرد و او را از نماز [با حضور قلب] باز ندارد چون به اندازه مالش در نظر او مهمتر نبود^۱. اما نمازگزار هوشیار و زیرک کسی است که کوشش کند امر مأمور را در کمال خشوع و فروتنی ادا کند - لا حول ولا قوة إلا بالله العظیم^۲.

۱۵- نماز سلف صالح

تأمل در سیره سلف صالح به خشوع در نماز می‌افزاید خصوصاً وقتی که انسان از آنها پیروی کند و بداند که چگونه نماز را اقامه کرده‌اند. ابن‌رجب گفته است: کاش یکی از آنها را مشاهده می‌کردی در حالی که با کمال فروتنی در برابر خداوند می‌ایستاد و شروع

-۱-

نی قماش و نقده و میزان وزن	چیست دنیا؟ از خدا غافل بُدن
«نعم مالٌ صالحٌ» خواندش رسول	مال را گر بهر دین باشی حمول
آب اندر زیر کشتی پستی است ...	آب در کشتی هلاک کشتی است
(مثنوی)	

۲- مجموع فتاوی (۶۰۱/۲۲).

به مناجات می‌کرد از دنیا فارغ بود و همانند چوبی خشک می‌ایستاد. مجاهد گفته است: هنگامی که یکی از آنها به نماز می‌ایستاد چنان از خداوند می‌ترسید که در نماز نه به چیزی نگاه می‌کرد، نه متوجه اطرافش می‌شد، و نه با چیزی بازی می‌کرد و نه امور دنیوی به ذهنش می‌آمد و نه در مورد آنها فکر می‌کرد، مگر اینکه فراموش می‌کرد.

عبد الله بن الزبیر در نماز همانند چوبی خشک می‌ایستاد و در حال سجده اگر هم منجنیق از کنار او می‌گذشت سرش را بلند نمی‌کرد^۱ که بدان توجه کند و مسلمة بن بشار در حالی که در مسجد نماز می‌خواند قسمتی از مسجد خراب شد، مردم بلند شدند ولی او همچنان در نماز بود و [چنان از خود بی‌حد شده بود که این واقعه را] احساس نکرد^۲. و می‌گویند: بعضی از آنها در حال نماز و سجده مانند تکه پارچه‌ای بودند که به زمین انداخته شده‌اند و بعضی از آنها در حالی که از نماز خارج می‌شدند رنگ چهره آنها تغییر کرده بود، و بعضی از آنها در حال نماز نمی‌دانستند که چه کسی در راست یا چپ ایشان ایستاده است، و بعضی از آنها در حال وضو گرفتن چهره‌هایشان زرد می‌شد و وقتی به او می‌گفتند: چرا در حال وضو گرفتن احوالت تغییر می‌کند؟ می‌گفت: می‌دانم که در مقابل چه ذات با عظمتی می‌ایستم!

و سیدنا علی بن ابی طالب علیه السلام در نماز بر خود می‌لرزید و متغیر می‌شد. به او گفته شد:

-۱-

چون که با تکبیرها مقرون شدند
همچو قربان از جهان بیرون شدند
(مثنوی)

-۲-

آن دعای بی خودان خود دیگر است
و آن دعا حق می‌کند چون او فناست
واسطه مخلوق نی اندر میان
بندگان حق رحیم و بردبار
آن دعا زو نیست گفت داور است
آن دعا و آن اجابت از خداست
بی‌خبر زان لایه کردن جسم و جان
خوی حق دارند در اصلاح کار
(مثنوی)

تو را چه شده است که می‌لرزی؟ گفت: وقت ادای امانتی رسید که آسمانها، زمین و کوهها از حمل آن می‌ترسیدند و سرباز می‌زدند.^۱ سعید تنوخی در نماز، اشک می‌ریخت و از بس گریه می‌کرد گونه‌هایش خیس می‌شد. و بعضی دیگر از تابعین هم به این نحو در نماز متحول می‌شدند و می‌گفتند: آیا می‌دانید در برابر چه ذات باعظمتی می‌ایستیم و مناجات می‌کنیم، ای گرامیان، کدام یک از شما در نماز چنین حالتی دارد و این گونه متحول می‌شود و چنین هیبتی در دل دارد؟^۲

به عامر بن عبدالقیس گفتند: آیا در نماز چیزی تو را به خود مشغول می‌کند؟ گفت: مگر محبوبتر از نماز چیزی هست که مرا به خود مشغول کند؟! گفتند: ما در نماز به چیزهایی مشغول می‌شویم. گفت: به بهشت، حورالعین و امثال آن؟ گفتند: خیر، به خانواده و اموالمان مشغول می‌شویم. گفت: اگر تنم بر سر نیزه‌ها تکه پاره شود بهتر از آن است تا در نماز به فکر امور دنیایی باشم.

سعد بن معاذ رضی الله عنه گفت: سه خصلت دارم، اما کاش همیشه داشتم:

۱- در نماز به چیزی نمی‌اندیشم.

۲- اگر حدیثی از پیامبر صلی الله علیه و آله بشنوم، در درستی آن شک و شبهه‌ای به خود راه نمی‌دهم.

۳- وقتی همراه جنازه‌ای هستم چیزی به جز آنچه که خود می‌خوانم و دعاهایی که دیگران به زبان می‌آورند، به ذهنم خطور نمی‌کند، یعنی کاملاً حضور قلب داشتند.^۳

و حاتم رضی الله عنه گفت: در اوقات نماز برمی‌خیزم و با خشیت به سوی نماز می‌شتابم و با

-۱-

عشق مولی کی کم از لیلی بود گوی گشتن بهر او اولی بود
گوی شو می‌گرد بر پهلوی صدق غلط غلطان در خم چوگانِ عشق
(مثنوی)

۲- کتاب سلاح القیطان لطرذ الشیطان، عبدالعزیز السلمان.

۳- الفتاوی لابن تیمیة (۶۰۵/۲۲).

نیتی پاک نماز می‌خوانم و «الله اکبر» را در کمال عظمت و بزرگی می‌گویم و با ترتیل تأمل و تفکر قرآن می‌خوانم و در کمال فروتنی به رکوع می‌روم و تشهد را با خضوع به اتمام می‌رسانم و با نیت خارج شدن از نماز سلام می‌دهم و با کمال اخلاص آن را تمام می‌کنم، و باز به خود برمی‌گردم و می‌ترسم که از من پذیرفته نشود و مقبول خداوند نباشد و تا زنده‌ام بر نماز محافظت می‌کنم و آن را پاس می‌دارم.^۱

ابوبکر الصبغی رحمته الله گفت: دو امام، یعنی ابوحاتم رازی و محمد بن نصر المروزی را دیدم و از شنیدن صدای آنها لذت بردم و هیچ‌کسی را همانند آنها ندیدم و صدایی مثل صدای آنها را نشنیده‌ام. هیچ‌کسی را ندیدم که زیباتر از محمد بن نصر نماز بخواند، زنبور بر پیشانی وی می‌نشست و پیشانی او را زخمی می‌کرد اما کوچکترین حرکتی نمی‌کرد. محمد بن یعقوب اخرم گفت: هیچ نمازی از نماز محمد بن نصر زیباتر نبود،^۲ پشه‌ها بر گوش وی جمع می‌شدند ولی آنها را از خود دور نمی‌کرد و زیبایی نماز، خشوع و فروتنی او شگفت‌آور بود، چانه‌اش را بر سینه می‌نهاد و همانند چوبی خشک می‌ایستاد.^۳

شیخ الاسلام ابن تیمیه رحمته الله وقتی به نماز می‌ایستاد بدنش چنان می‌لرزید که گاه به راست یا چپ متمایل می‌شد.

نمازگزارا، بیا و این نمازها را با نمازهای نمازگزاران امروزی مقایسه کن، فرسخ‌ها فاصله دارند. امروزه می‌بینیم، یکی در نماز به ساعتش می‌نگرد، دیگری قد و قامت خود

۱- کتاب خشوع فی صلاة ۲۷-۲۸.

۲-

وین نیاز، ار چه که لاغر می‌کند	صدر را چون بدرِ انور می‌کند
چون ز مرده زنده بیرون می‌کشد	هر گه مرده گشت او دارد رُشد ...
مرده شو تا مُخْرِجُ الحیِّ الصَّمَد	زنده‌ای زین مرده بیرون آورد

(مثنوی)

۳- کتاب تعظیم قدر الصلاة.

را راست و ریس می‌کند، سومی به بینی‌اش دست می‌کشد، بعضی خرید و فروش می‌کنند، عده‌ای پول می‌شمارند، بعضی دیگر به زینت‌های سجاده و سقف مسجد نگاه می‌کنند، عده‌ای به اطراف خود می‌نگرند تا افراد کنار خود را بشناسند. این وضعیت نماز امروز ماست، بیا و داوری کن، حال آن که اگر یکی از آنها در مقابل یکی از بزرگان و کار به دستان بایستد جرأت ندارد کوچکترین حرکتی بکند.^۱

۱۶- شناخت مزایای خشوع در نماز

رسول الله ﷺ فرموده‌اند: «مَا مِنْ امْرِئٍ مُسْلِمٍ تَحْضُرُهُ صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ فَيُحْسِنُ وُضُوءَهَا وَخُشُوعَهَا وَرُكُوعَهَا إِلَّا كَأَنَّهُ كَفَّارَةٌ لِّمَا قَبْلَهَا مِنَ الذُّنُوبِ، مَا لَمْ يُؤْتِ كَبِيرَةً وَذَلِكَ الدَّهْرُ كُلُّهُ»^۲. «هرگاه، وقت نماز فرا رسید و مؤمن با شتاب و در کمال ادب وضو گرفت و خشوع و رکوع نماز را کامل به جای آورد - مادامی که مرتکب کبیره نشود - کفارة گناهانش می‌شود». یعنی وضو گرفتن و با خشوع و تدبیر نماز را به جا آوردن کفارة تمام گناهان گذشته اوست. پاداش هر نمازگزار به اندازه خشوع و فروتنی وی در نماز است، همچنان که امام احمد روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «پاداش نماز نمازگزار، یک دهم، یک نهم، یک هشتم، یک ششم، یک پنجم، یک چهارم، یک سوم و یا نصف آن است». یعنی میزان پاداش و ثواب نماز به خشوع و درست به جا آوردن آن مرتبط است. هر اندازه میزان خشوع، تدبیر و فروتنی بیشتر باشد اجر و ثواب آن نیز بیشتر است و بالعکس.

-۱-

گریه باشد شحنه هر موش‌خو	موش که بود تا ز شیران ترسد او
خوف ایشان از کلاب حق بود	خوفشان کی ز آفتاب حق بود
موش کی ترسد ز شیران مصاف	بلکه آن آهو تگان مشک ناف
رو به پیش کاسه لیس ای دیگ لیس	توش خداوند و ولی نعمت نویس

(مثنوی)

-۲- رواه مسلم.

بهره و نصیب نمازگزار از نماز همان تعقل اوست. همان‌طور که ابن عباس رضی الله عنهما فرموده‌اند: «از نماز بهره‌ای نداری جز آن چه تعقل کرده‌ای»^۱. «اگر نماز با خشوع تمام ادا شود گناهان را از بین می‌برد. پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «بنده‌ای که نماز می‌خواند گناهان او را بر سر و دوش وی می‌گذارند، با هر رکوع و سجده‌ای گناهانش می‌افتند و از بین می‌روند»^۲.

امام المناوی در تفسیر این حدیث فرموده‌اند: مراد این است که هرگاه رکنی از نماز را به جای آورد رکنی از گناهان وی زایل می‌شود و چون نماز را کامل ادا کند گناهانش از بین می‌روند و این مخصوص نمازی است که ارکان و شروط و خشوع و خضوع آن کاملاً به جای آورده بود همان‌طور که در حدیث به لفظ «عبد و قیام» اشاره شده است، یعنی بنده‌ای ذلیل در مقابل ملک الملوک با کمال تواضع و فروتنی می‌ایستد و ادای وظیفه می‌کند»^۳.

نمازگزار فروتن وقتی که از نمازش فارغ شد در خود احساس سبکی و آرامش دارد و احساس می‌کند که باری سنگین از دوش خود برداشته و در کمال نشاط و آسایش و امنیت است و حتی آرزو می‌کند که کاش نمازش به پایان نمی‌رسید زیرا روشنایی چشمانش در نماز است و نماز نعمت روح او و بهشت قلب و مکان استراحت و آرامش وی است، و خارج از نماز احساس تنگی، سختی و در زندان بودن را می‌کند و به محض ورود به نماز و الله اکبر گفتن، دیگر از زندان دنیا نجات می‌یابد و وارد دنیای آسایش و امنیت می‌شود. دوستداران نماز می‌گویند: به وسیله نماز استراحت می‌کنیم، همان‌طور که امام و قدوة آنان، پیامبر صلی الله علیه و آله، به بلال رضی الله عنه فرمودند: «يَا بَلَالُ، أَرِحْنَا بِالصَّلَاةِ». و نگفت: «أَرِحْنَا مِنْهَا». «به ما استراحت و آرامش بده و نگفت ما را از نماز راحت کن» و

۱- رواه الإمام أحمد.

۲- رواه البيهقي في سنن الكبرى.

۳- فيض القدير (۳۶۸/۲).

فرموده‌اند: «وَجُعِلَتْ قُرَّةُ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ». «نور چشمان من در نماز است». کسی که نور چشمانش در نماز است چه گونه بدون نماز آرام می‌گیرد و چه گونه بی‌آن می‌تواند صبر کند.^۱

۱۷- دعا در نماز و خصوصاً در سجده

بدون شک مناجات با خداوند و از او خواستن، رابطه بنده را با خداوند قویتر می‌کند و به خشوعش می‌افزاید زیرا دعا عبادت و بنده مؤمن بدان امر شده است چنان که خداوند فرموده است:

﴿ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً﴾ [الأعراف: ۵۵].

«خداوند را با تضرع و زاری بخوانید».

و کسی که از خداوند نخواهد، بر او خشمگین می‌شود، و پیامبر ﷺ در جاهای معین در نماز دعا خوانده است، مثلاً در سجود، میان دو سجده، بعد از تشهد، اما مهم‌ترین جا که دعا کرده در سجده بوده است همان‌طور که در حدیث بدان اشاره شده که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «أَقْرَبُ مَا يَكُونُ الْعَبْدُ مِنْ رَبِّهِ ﷻ وَهُوَ سَاجِدٌ فَأَكْثِرُوا الدُّعَاءَ».^۲ «نزدیک‌ترین حالت بنده به خدا سجده است، در سجده بسیار دعا کنید». و باز امام مسلم روایت می‌کند که پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «در سجده بسیار دعا کنید زیرا امید است که دعا مستجاب شود». و از جمله دعاهایی که رسول‌الله ﷺ در سجده خوانده‌اند عبارتند از: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي ذَنْبِي كُلَّهُ دِقَّةَ وَجِلِّهِ وَأَوَّلَهُ وَآخِرَهُ وَعَلَانِيَتَهُ وَسِرِّهِ».^۳

و فرموده‌اند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ».^۴ چنین دعاهایی را در بین دو

۱- الوابل الصیب ص ۳۷.

۲- رواه مسلم.

۳- رواه مسلم.

۴- أخرجه النسائي.

سجده می خواندند.

و بعد از تشهد دعاهایی می خواندند، چنان که فرموده اند: هر یک از شما بعد از تشهد از شر چهار چیز: عذاب جهنم، عذاب قبر، فتنه حیات و ممات و از شر دجال به خداوند پناه ببرید. و فرموده اند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَمِلْتُ وَمِنْ شَرِّ مَا لَمْ أَعْمَلْ». «اللَّهُمَّ حَاسِبْنِي حِسَاباً يَسِيراً». و به ابوبکر صدیق رضی الله عنه تعلیم می دادند تا این دعا را بعد از تشهد بخواند: «اللَّهُمَّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي ظُلْماً كَثِيراً، وَلَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ، فَاعْفِرْ لِي مَغْفِرَةً مِنْ عِنْدِكَ وَارْحَمْنِي، إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». و پیامبر صلی الله علیه و آله یک بار از مردی شنید که در دعایش می گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ الْأَحَدَ الصَّمَدَ الَّذِي لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ أَنْ تَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي إِنَّكَ أَنْتَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ». فرمودند: بخشیده شد. بخشیده شد. و از مرد دیگری شنید که می گفت: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِأَنَّ لَكَ الْحَمْدَ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ الْمَنَّانُ يَا بَدِيعَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ إِنِّي أَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ». پیامبر صلی الله علیه و آله به یارانش گفت: آیا می دانید خدا را به چه اسمی خواند؟ گفتند: خدا و رسولش داناترند. گفت: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست، خدا را به اسم اعظمش خواند، اگر دعا کند مستجاب، و اگر بخواهد به او داده می شود. و آخرین دعایی که بین تشهد و سلام دادن می خواند این دعا بود: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي مَا قَدِمْتُ وَمَا أَخَّرْتُ وَمَا أَسْرَرْتُ وَمَا أَعْلَنْتُ وَمَا أَسْرَفْتُ، وَمَا أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنِّي، أَنْتَ الْمَقْدِّمُ وَأَنْتَ الْمُؤَخِّرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ». حفظ چنین دعاهایی، مشکل بسیاری از نمازگزاران را برطرف می کند زیرا وقتی نمازگزاران پشت سر امام هستند و از تشهد فارغ می شوند، سکوت می کنند و نمی دانند که چه بگویند و چه اذکاری را بخوانند.

۱۸- اذکار بعد از نماز

چیزی که ما را کمک می‌کند تا خشوع قلب و نتیجه‌ای که از برکت نماز و فایده آن ثابت بماند، خواندن اذکار وارده بعد از نماز است.

بدون شک نگهداری طاعتِ اولی یعنی نماز، به دنبال آوردن طاعتِ دومی یعنی اذکار می‌باشد، و اگر نمازگزار در اذکار بعد از نماز تأمل کند می‌بیند اولین چیزی که بعد از نماز شروع می‌کند سه بار «استغفار» است، گویی نمازگزار از اشکالاتی که در حین ادای نماز ایجاد شده است استغفار می‌نماید، و تقصیرات خود را یادآوری، و برای آنها از خداوند طلب بخشش می‌کند و در انجام نمازهای سنت دقت بیشتر دارد تا نواقص نمازهای فرض را جبران کند یعنی اگر ادای نماز فرض بدون خشوع بوده و یا خللی بر آن وارده شده است نمازهای سنت آن را جبران کند.

بعد از فارغ شدن از اسباب خشوع به مرحله بعدی می‌رسیم و آن عبارت است از:

ب- دفعِ موانعی که خشوع نماز را کم می‌کند.

۱۹- از بین بردن چیزهایی که نمازگزار را به خود مشغول می‌کند

انس بن مالک رضی الله عنه روایت کرده است: ام‌المؤمنین عایشه رضی الله عنها با پارچه‌ای ملون قسمتی از خانه را پوشانده بود، پیامبر صلی الله علیه و آله به او گفت: این پارچه را بردار زیرا تصاویرش مرا در نماز مشغول می‌کند^۱، یعنی خشوع نماز را از بین می‌برد.

و در روایت دیگر، قاسم از عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند: حضرت عایشه رضی الله عنها پارچه‌ای را که بر آن تصاویری بود بر طاقچه خانه آویزان کرده بود و رسول‌الله صلی الله علیه و آله روبروی آن نماز می‌خواند و فرمودند: آن را از این جا بردار زیرا تصاویرش مانع نماز می‌شود یعنی مرا مشغول می‌کند، عایشه رضی الله عنها می‌گوید: آن را برداشتم و بالش کردم. وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله وارد کعبه شد تا نماز بخواند دو شاخ کبش در آن جا دید، بعد از فراغت از نماز به عثمان حجبی گفت: فراموش کردم بگویم این دو شاخ را بپوشانید زیرا درست نیست در خانه چیزی باشد و نمازگزار را به خود مشغول کند. ابوداود روایت کرده است: نمازگزار باید از اماکنی که در آن جا رفت و آمد هست و جاهای پر سر و صدا، یا کنار کسانی که صحبت می‌کنند، یا مجلسی که بسیار شلوغ است و هر آنچه که انسان را به خود مشغول می‌کند پرهیز کند و در چنین مکان‌هایی نباید نماز بخواند، همچنین در جاهای بسیار گرم و بسیار سرد از ادای نماز خودداری کند، و اگر برایش مقدور است نماز ظهر را در شدت گرمای تابستان به تأخیر بیندازد تا هوا کمی خنک شود و شدت گرما کاهش یابد. ابن‌القیم جوزی در کتاب الوابل الصیب می‌گوید: ادای نماز در شدت گرما نمازگزار را از خشوع و خضوع بازمی‌دارد زیرا عبادت را با سختی و اکراه انجام می‌دهد. و از حکمت‌های رسول‌الله صلی الله علیه و آله است که نماز را به تأخیر بیندازد تا شدت گرما کاهش یابد و

نمازگزار با قلبی حاضر نماز بخواند تا مقصود نماز، که همان خشوع و روی آوردن به خداست، حاصل شود.

۲۰- لباس نمازگزار نباید دارای نقوش، رنگارنگ و یا نوشته‌ها و تصاویری باشد که او را از نماز غافل کند

عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند که رسول الله صلی الله علیه و آله بلند شد و در حالی که عبایی خطدار و حاشیه‌دار بر تن داشت نماز خواند. وقتی از نماز فارغ شد فرمود: «این عبا را به ابوجهم بن حذیفه بدهید و عبای خودم را که بدون حاشیه و خط است بیاورید زیرا هم اکنون مرا از نماز غافل کرد و بدان سرگرم شدم». و در روایت دیگری وارد شده است که فرمودند: «حاشیه‌های آن مرا مشغول کرد»، و در روایت دیگری آمده است که آن عبا دارای حاشیه و خطهای مربعی بود و او را به خود مشغول می‌کرد. تمام این روایات در کتاب صحیح امام مسلم رحمته الله علیه وارد شده است و می‌توانید به آن مراجعه کنید.

بهتر آن است که نمازگزار هیچ‌گاه در لباس‌هایی که بر روی آن تصویر هست، خصوصاً تصاویر ذی روح - که در این زمان بسیار شایع است - نماز نخواند.

۲۱- وقتی که غذا حاضر است نماز نخواند

پیامبر صلی الله علیه و آله فرمودند: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ طَعَامٍ»^۱. «در وقت حاضرشدن طعام نماز جایز نیست».

وقتی غذا حاضر شد و جلوی او گذاشتند شروع به خوردن کند چون اگر بلند شود و نماز بخواند در حال نماز به فکر غذا هست و نمازش بی‌خشوع خواهد بود پس عجله نکند تا [غذایش را بخورد و] نیازش را برطرف کند زیرا رسول الله صلی الله علیه و آله فرمودند: «وقتی غذا آماده شد و وقتی نماز هم فرا رسید غذا را بخورید قبل از آن که مغرب را بخوانید و در

۱- رواه مسلم.

خوردن غذا هم عجله نکنید». و در روایت دیگری آمده است: «إِذَا وَضَعَ عِشَاءُ أَحَدِكُمْ وَأُقِيمَتِ الصَّلَاةُ فَأَبْدَءُوا بِالْعِشَاءِ، وَلَا يَعْجَلْنَ حَتَّى يَفْرُغَ مِنْهُ»^۱. «وقتی غذا حاضر شد و وقت نماز هم فرا رسید غذا را بخورید و عجله نکنید تا از خوردن فارغ شوید».

۲۲- در حالتی که بول و غائط به او فشار می‌آورد نماز نخواند

بدون شک در حالی که بول و غائط به نمازگزار فشار می‌آورد نماز با خشوع ممکن نیست، و به همین دلیل است که رسول الله ﷺ از نماز خواندن در چنین حالتی نهی کرده است.

در چنین حالاتی ضروری است اول قضاء حاجت کند گرچه نماز جماعت یا چند رکعت فوت شود زیرا پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَذْهَبَ الْخِلَاءَ وَقَامَتِ الصَّلَاةُ فَلْيَبْدَأْ بِالْخِلَاءِ»^۲. اگر کسی قضای حاجت داشت و نماز اقامه شد، اول قضای حاجت کند، بعد نماز بخواند، و اگر در وسط نماز به چنین حالتی دچار شد باید نماز را قطع و قضای حاجت کند و وضو بگیرد و نماز بخواند، زیرا پیامبر ﷺ فرموده‌اند: «لَا صَلَاةَ بِحَضْرَةِ الطَّعَامِ وَلَا وَهُوَ يُدَافِعُهُ الْأَخْبَثَانِ»^۳.

چنین حالاتی، خشوع نماز را از بین می‌برد و اثر روحی و معنوی نماز از دست می‌رود و حبس باد شکم هم همین حکم را دارد.

۱- متفق علیه.

۲- رواه أبوداود.

۳- رواه مسلم.

۲۳- در حالات چُرت نماز نخواند

انس بن مالک گفت: رسول الله ﷺ فرمودند: «إِذَا نَعَسَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَنَمْ حَتَّى يَعْلَمَ مَا يَقُولُ»^۱. «اگر در نماز چرت زدید اول بخوابید بعد نماز بخوانید تا بدانید چه می‌گویید». و دلیل این، در حدیث دیگری که عایشه رضی الله عنها روایت کرده آمده است: «اگر در نماز چرت زدید اول بخوابید تا خواب از شما دفع شود زیرا اگر یکی از شما در چنین احوالی نماز بخواند نمی‌داند که چه می‌گوید، شاید استغفار کند و یا به خودش ناسزا بگوید».

و گاهی این چنین حالتی در قیام اللیل بر انسان عارض می‌شود و شاید آن لحظه همان لحظه استجاب دعا باشد، بر خود دعا می‌کند و نمی‌داند چه می‌گوید و در نمازهای فرض هم چنین حالاتی بر انسان غالب می‌شود، پس باید اول بخوابد تا خواب از او دفع شود بعد نمازش را ادا کند بشرطی که وقت نماز نگزرده و یا ترک جماعت نشود.

۲۴- نباید روبروی متحدث و خوابیده نماز خواند

پیامبر فرموده‌اند: «لَا تُصَلُّوا خَلْفَ النَّائِمِ وَلَا الْمُتَحَدِّثِ»^۲. «روبروی خوابیده و کسی که حرف می‌زند نماز نخوانید». زیرا شخصی که حرف می‌زند با سخنانش انسان را به خود مشغول و فرد خوابیده هم با حرکتی نمازگزار را به خود مشغول می‌کند.

خطابی رحمه الله می‌گوید: نماز خواندن روبروی کسانی که حرف می‌زنند از نظر امام شافعی و احمد بن حنبل کراهت دارد و این بدان خاطر است که کلام آنها نمازگزار را از نماز باز می‌دارد.

اما دلایلی که برای «خوابیده» ذکر کرده‌اند اهل علم آنها را ضعیف می‌دانند از جمله ابوداود در کتاب الصلاة و ابن حجر در فتح الباری در «شرح باب الصلاة خلف النائم»

۱- رواه البخاری.

۲- رواه أبوداود.

بدان اشاره کرده‌اند.

و امام بخاری در «صحیح» خود در «باب الصلاة خلف النائم» حدیثی را ذکر کرده است. عایشه رضی الله عنها روایت می‌کند: پیامبر صلی الله علیه و آله نماز می‌خواند در حالیکه من روبروی ایشان خوابیده بودم.

«و مجاهد، طاوس و مالک مکروه می‌دانند که روبروی شخص نائم نماز خوانده شود چون شاید حرکتی کند که نمازگزار را از توجه به نماز بازدارد». و اگر از این حالت در امان باشد نماز بدون اشکال است - والله اعلم.

۲۵- مشغول نشدن به صاف کردن زمین

امام بخاری از معقیب روایت می‌کند پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را دید که در وقت سجده مکان سجده‌اش را صاف می‌کرد به او گفت: «اگر این کار را می‌کنی یکبار بس است» و باز فرموده‌اند: «لَا تَمْسَحْ وَأَنْتَ تُصَلِّي، فَإِنْ كُنْتَ لَا بُدَّ فَاعِلًا فَوَاحِدَةً»^۱. «مکان سجده را در حال نماز صاف نکن و اگر به ناچار این کار را انجام می‌دهی یکبار بس است».

دلیل این نهی محافظت بر خشوع است تا در نماز حرکات زیاد انجام ندهد. و اگر مکان سجده نیاز به صاف کردن دارد بهتر آن است قبل از نماز این کار را انجام دهد.

و مسح پیشانی و بینی در نماز کراهت دارد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله بر روی گل سجده کرد و آن در پیشانی وی باقی ماند و آن را پاک نکرد و حتی اثر آن بعد از نماز هم پیدا بوده است، زیرا استغراق در نماز و خشوع باعث می‌شود نمازگزار این چیزها را فراموش کند و به آنها مشغول نشود و پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «إِنَّ فِي الصَّلَاةِ شُغْلًا»^۲. «نماز انسان را از چیزهای دیگر دور می‌کند». و ابن ابی شیبہ از ابو درداء روایت می‌کند گفت: اگر بهترین

۱- رواه ابوداود.

۲- رواه البخاری.

شتر را به من بدهند تا مکان سجده‌ام را صاف کنم، این کار را نخواهم کرد [یعنی اگر بهترین مال و ثروت را به من بدهند حرکات اضافی در نماز انجام نمی‌دهم].
و عیاض فرموده‌اند: سلف صالح مسح پیشانی را در نماز مکروه می‌دانستند. بر نمازگزار است از هر آنچه وی را از نماز دور می‌کند پرهیز داشته باشد و همچنان که ذکر شد لازم است برای دیگر نمازگزاران هم ایجاد مزاحمت نکند.

۲۶- با قرائت مزاحم دیگران نشود

پیامبر ﷺ فرمودند: «إِنَّ كُلَّكُمْ مُنَاجٍ رَبَّهُ فَلَا يُؤْذِينَ بَعْضُكُمْ بَعْضًا وَلَا يَرْفَعُ بَعْضُكُمْ عَلَى بَعْضٍ فِي الْقِرَاءَةِ أَوْ قَالَ فِي الصَّلَاةِ»^۱. «ان، بدانید که همه شما با خداوند مناجات می‌کنید، پس بعضی از شما بعضی دیگر را نیازاراند و عده‌ای از شما در «قرائت» یا «نماز» صدایش را بیش از حد بر دیگران بلند نکند. و در روایت دیگری هست که: «بعضی از شما با صدای بلند برای دیگران مشکل ایجاد نکند».

۲۷- در نماز به اطراف «توجه» نکند

ابودر ﷺ روایت می‌کند، رسول الله ﷺ فرمودند: «لَا يَزَالُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مُقْبِلًا عَلَى الْعَبْدِ وَهُوَ فِي صَلَاتِهِ مَا لَمْ يَلْتَفِتْ فَإِذَا التَّفَتَ انْصَرَفَ عَنْهُ»^۲. «خداوند پیوسته و تا وقتی که بنده در حال نماز به اطراف توجه نکند به نظر رحمت در وی می‌نگرد و چون توجه کرد خداوند هم از او روی برمی‌گرداند».

و «توجه» در نماز دو قسم است:

الف) توجه قلب به غیر خدا. ب) توجه چشم.

از هر دو نهی شده است و پاداش نماز را کم می‌کنند، و در این مورد از رسول الله ﷺ

۱- رواه أبوداود.

۲- رواه أبوداود.

سؤال شد فرمودند: «اِخْتِلَاسٌ يَخْتَلِسُهُ الشَّيْطَانُ مِنْ صَلَاةِ الْعَبْدِ»^۱. «دزدی است که شیطان از نماز بنده می‌دزدد».

«مَثَلِ کسی که در نماز با چشم یا قلب متوجه غیر خدا می‌شود همانند مردی است که پادشاهی او را احضار کرده و روبروی پادشاه ایستاده و پادشاه او را مخاطب قرار داده است، و صدا می‌زند در حالی که آن مرد به راست و چپ می‌نگرد و قلبش متوجه سلطان نیست و نمی‌فهمد که پادشاه چه می‌گوید چون به وی توجه ندارد، پادشاه به چنین مردی چه بگوید؟

آیا، حداقل، با خشم و نفرت بیرون رانده نمی‌شود و از نظر پادشاه نمی‌افتد؟ چنین کسی با حضور قلب در برابر پروردگار ایستاده است و عظمت ایستادن در برابر پروردگار را درک می‌کند و قلبش از خوف پُر و با ذلت و تواضع ایستاده و از خداوند شرم دارد اگر به غیر او روی آورد و از وی روی بگرداند، این دو با هم برابر نیستند، میان این دو نماز فاصله بسیار است همچنان که حسان بن عطیه گفت: دو مرد با هم نماز می‌خوانند و فضیلت فاصله آن دو فاصله میان آسمان و زمین است. زیرا یکی از آن دو با حضور قلب به خدا روی آورده و دیگری در غفلت ایستاده است».

اما توجه به اطراف به دلیل نیاز اشکال ندارد، چنان که ابوداود از سهل بن حنظلیه روایت کرد: «نماز صبح اقامه شد و پیامبر ﷺ نماز می‌خواند در حالی که به دره‌ها نگاه می‌کرد». و ابوداود گفت: «بعضی شب‌ها سواری به دره‌ها می‌فرستاد تا نگهبانی دهد». گاهی در نماز کارهایی انجام می‌داد مانند بغل کردن امامه دختر ابوالعاص، باز کردن در برای عایشه رضی الله عنها، پایین آمدن از منبر برای تعلیم نماز، و تأخیر در نماز کسوف، و خفه کردن شیطان که خواست نمازش را باطل کند، امر به کشتن مار و عقرب در نماز، یا منع کسی که از جلوی نمازگزار می‌گذرد، امر به تصفیق برای زنان، اشاره‌اش در نماز، و امثال

اینها بسیار زیاد است که به ضرورت انجام داده می‌شوند، و اگر برای ضرورت و رفع حاجت نباشند بیهوده است - با خشوع منافات دارد - و ممنوع است^۱.

۲۸- به آسمان ننگرد

در حدیث، نگاه به آسمان نهی شده و نمازگزار باید از آن پرهیز کند تا دچار این وعید رسول‌الله ﷺ نشود که فرمودند: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلَا يَرْفَعُ بَصَرَهُ إِلَى السَّمَاءِ أَنْ يُلْتَمَعَ بَصَرُهُ»^۲. «هرگاه یکی از شما در نماز بود چشمان خود را به آسمان ندوزد چون ممکن است پرتویی از نور به بینایی وی برخورد کند و صدمه ببیند».

و در روایات دیگری نیز همین مضمون هست: «نباید کسانی که در نمازند به آسمان بنگرند». باز رسول‌خدا ﷺ فرموده‌اند: «لَيَنْتَهَنَّ عَنْ ذَلِكَ أَوْ لَيُخْطَفَنَّ أَبْصَارُهُمْ»^۳.

از این کار دست بر می‌دارند یا اینکه چشمهایشان برداشته می‌شود.

۲۹- در حال نماز به پیش روی خود آب دهان نیندازد

این کار با خشوع و ادب در حضور خدا بودن سازگار نیست و پیامبر ﷺ فرمود: «إِذَا كَانَ أَحَدُكُمْ يُصَلِّي فَلَا يَبْصُقُ قِبَلَ وَجْهِهِ ، فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى قِبَلَ وَجْهِهِ إِذَا صَلَّى»^۴. «هرگاه یکی از شما نماز می‌خواند به پیش روی خود آب دهان نیندازد زیرا خداوند در هنگام نماز مقابل اوست». و باز هم امام بخاری روایت کرده‌اند: در حال نماز، به طرف جلو آب دهان نیندازید زیرا در نماز با خداوند مناجات می‌کنید و به طرف راست هم آب دهان نیندازید زیرا طرف راست فرشتگانند، به طرف چپ بیندازید و یا آن را زیر پایتان پنهان کنید.

۱- مجموع الفتاوی ص ۲۲.

۲- رواه أحمد.

۳- رواه الإمام أحمد و البخاری.

۴- رواه البخاری.

اما وقتی که مسجد با سجاده یا همانند آن فرش شده باشد، چنان که رسم غالب امروز است، نباید چنین کاری انجام دهد، و اگر ممکن است یک دستمال بیرون آورد و آب دهانش را بر آن بریزد و بعد آن را پنهان کند.

۳۰- تا حد ممکن از خمیازه کشیدن خودداری کند

پیامبر ﷺ فرمودند: «إِذَا تَثَاوَبَ أَحَدُكُمْ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَكْظَمْ مَا اسْتَطَاعَ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَدْخُلُ»^۱. «هرگاه یکی از شما در نماز خمیازه کشید تا می‌تواند دهانش را ببندد زیرا شیطان وارد می‌شود».

زیرا وقتی که شیطان داخل شد بهتر می‌تواند برای نمازگزار تشویش ایجاد کند و خشوع نماز را از بین ببرد، علاوه بر این در وقت خمیازه کشیدن به انسان می‌خندد.

۳۱- ترک «اختصار» در نماز

ابوهریره روایت می‌کند که: «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ عَنِ الْإِخْتِصَارِ فِي الصَّلَاةِ»^۲. «رسول خدا از «اختصار» در نماز نهی کرده است». و «اختصار» یعنی دستهایش را بر تهیگاه بگذارد. زیاد بن صبیح حنفی روایت می‌کند: در کنار ابن عمر نماز می‌خواندم و دستهایم را بر تهیگاه نهادم، ناگهان بر دستهایم زد، بعد از نماز گفت: این کار در نماز عیب و نقص است و پیامبر ﷺ از آن نهی کرده، و در حدیث مرفوع است که «اختصار» ذلت و خواری اهل جهنم است از شر آن باید به خدا پناه برد.

۱- رواه مسلم.

۲- رواه ابوداود.

۳۲- ترک «سدل» در نماز

از رسول الله ﷺ روایت شده است: «نَهَى عَنِ السَّدْلِ فِي الصَّلَاةِ، وَأَنْ يُغَطِّيَ الرَّجُلُ فَاهُ»^۱.
«پیامبر از «سدل» در نماز و آن که انسان دهانش را بپوشاند نهی کرده است».

در کتاب «عون المعبود» روایت است که خطابی گفت: «سدل» یعنی لباس چنان دراز باشد که به زمین برسد و در «مرقاة المفاتیح» نقل است: که «سدل» مطلقاً منع شده زیرا تکبر و خودپسندی می‌آورد و در نماز زشتتر و ناپسندتر است. صاحب «النهاية» گوید: یعنی لباس را به خود بپیچاند و از داخل آن دستهایش را بیرون بیاورد، و در آن حال رکوع برود و سجده کند، و گفته‌اند که یهود چنین می‌کردند. و گفته شده است: «سدل» آن است که لباس را بر دوش اندازد و اطرافش را بر جلو یا بر بازوها رها کند و در نماز بدانش مشغول شود، چنین وضعی خشوع نماز را از بین می‌برد، برعکس آنکه لباس را سخت ببندد و ترس افتادن لباس را نداشته باشد چنین کاری مکروه نیست چون نمازگزار را مشغول نمی‌کند و با خشوع هم منافات ندارد.

امروزه در میان بعضی از مردم لباس‌ها و ردهایی هست که با هم فرق دارند و نمازگزار را به خود مشغول می‌کنند، مثلاً لباس را در نماز بالا می‌زنند و یا جمع می‌کنند و امثال اینها، که کراهت دارند و باید نمازگزار از چنین کارهایی پرهیز کند. اما این که در حدیث به «پوشانیدن دهان» اشاره شده است علما دلایلی برای آن ذکر کرده‌اند از جمله نمازگزار نمی‌تواند قرائت را به خوبی و سجده را کامل انجام دهد.

۳۳- پرهیز از تشبه به حیوانات

چون خداوند به انسان کرامت بخشیده و او را در بهترین شکل و سیما آفریده، بسیار زشت است که خود را به حیوانات شبیه کند.

۱- رواه أبوداود.

ما نمازگزاران موظفیم در حال نماز، حرکات و هیئات مان همانند بهایم نباشد، زیرا با خشوع منافات دارد، و شایسته نیست نمازگزار چنین حرکاتی را انجام دهد، در این مورد آمده است که: «نَهَى فِي الصَّلَاةِ عَنْ ثَلَاثٍ نَقَرِ الْغُرَابِ وَأَفْتَرَاشِ السَّبْعِ وَأَنْ يُوطِنَ الرَّجُلُ الْمَقَامَ الْوَاحِدَ كَالْإِطَانِ الْبَعِيرِ»^۱. «رسول الله ﷺ در نماز از سه چیز نهی فرمودند: همانند کلاغ متقارزدن، همانند درندگان نشستن، و همانند شتر در یک جا ایستادن و نشستن». و گفته شده است: یعنی این که انسان به مکانی مخصوص و معین از مسجد انس بگیرد و همیشه در آنجا نماز بخواند، همانند شتری که در مکانی خاص می‌خورد و می‌نشیند. و در روایت است که: «منع شده‌ام از: همانند خروس به زمین نوک زدن، مانند سگ نشستن، و مثل روباه به اطراف نگاه کردن»^۲. «یعنی در حال نماز لازم است از چنین حالاتی پرهیز کرد». به دلیل اهمیت مسئله خشوع و ارزش والای آن در نزد علماء قضیه زیر را مورد بحث و مناقشه قرار داده‌اند:

مسئله: کسی که در نماز بسیار وسواس است نمازش درست است یا باید آن را اعاده کند؟

ابن قیم الجوزی رحمته گفت: «اگر گفته شود: نظر شما درباره کسی که در نماز خشوع ندارد چیست، آیا نمازش درست است یا خیر؟».

گفته شده است: از جهت اجر و ثواب، نمازش درست نیست مگر این که در آن تعقل کند و در برابر پروردگار خاشع و فروتن باشد.

ابن عباس گفت: در نمازت جز آنچه که در آن تعقل کرده‌ای بهره و نصیبی نداری و در «مسند» حدیث مرفوعی هست: «همانا بنده‌ای نماز می‌خواند و نماز به شمار نمی‌آید و اجر و پاداشی ندارد مگر نصف آن، ثلث آن، ربع آن یا حتی یک دهم آن».

۱- رواه أحمد.

۲- امام احمد روایت کرده است، تمامی آن چه ذکر شد مجموعه‌ای از اسباب خشوع، اسباب از میان برنده خشوع و اسبابی که موجب جبران عدم خشوع بودند، بود.

[یعنی اجر و ثواب نماز به خشوع و فروتنی بستگی دارد و هر اندازه خشوع کمتر باشد اجر و ثواب هم کمتر است].

خداوند شرط رستگاری نمازگزاران را در نماز، خشوع و خضوع قرار داده است. کسی که خشوع ندارد اهل فلاح نیست و اگر هم اجر و ثوابی به دست آورد حتماً از ناحیه رستگاران است، و وقتی از جمله رستگاران است که خشوع داشته باشد. اما آیا در احکام دنیوی، نماز به شمار می‌آید و قضاء ندارد؟

جواب: اگر در نماز خشوع، غلبه داشته و تعقل کرده است اجماعاً نماز به شمار می‌آید و نمازهای سنت و اذکار بعد از آن، نواقص را جبران و نماز را کامل می‌کنند. اما اگر عدم خشوع غلبه داشته و بدون تأمل و تعقل نماز را خوانده باشد، فقهاء در مورد اعاده آن مختلف القولند. ابن حامد، از شاگردان امام احمد، گفته است: واجب است که نماز را اعاده کند و این هم مانند اختلافشان در مورد خشوع در نماز است و فقهاء دو قول دارند و در مذهب امام احمد هم چنین است. دو قولی که ذکر شد: کسی که وسواس است و در نماز وسوسه بر او غلبه دارد و بیشتر نماز را با وسوسه خوانده است، ابن حامد گفته است: واجب است دوباره نماز را اعاده کند.

اما اکثر فقهاء اعاده نماز را واجب ندانسته و به این گفتار پیامبر ﷺ استدلال کرده‌اند که فرمودند: کسی که در نماز سهو می‌کند دو بار سجده کند، و فرمودند اعاده کند، و باز فرموده‌اند: «شیطان، در نماز به نزد شما می‌آید و می‌گوید فلان چیز را به یاد بیاور و فلان چیز و فلان چیز، تا آنجا که نمازگزار را غافل می‌کند و نمی‌داند که چند رکعت نماز خوانده است». بی‌تردید اجر و ثواب زیادی ندارد جز به اندازه حضور قلب و خشوع که دارد، ابن عباس گفته است: در نماز بهره‌ای نداری جز آن‌چه که در آن تعقل کرده‌ای. و چنین نمازی به اعتبار کمال مقصود آن صحیح نیست هر چند که گفته‌اند صحیح و

درست است امر به اعاده آن نشده است.^۱

و حدیث صحیح از رسول الله ﷺ روایت شده است که فرمودند: «هرگاه مؤذن اذان گوید شیطان پشت می‌کند و تیز می‌زند تا اذان را نشنود، و چون اذان تمام شد برمی‌گردد، آن‌گاه که اقامه گفته شود فرار می‌کند و وقتی تمام شد دوباره برمی‌گردد تا نمازگزار را غافل کند و از نماز وی بهره‌ای بگیرد و می‌گوید: فلان چیز را به یاد بیاور و فلان چیز و فلان ... در حالی که خالی‌الذهن است چیزهایی را به یاد وی می‌آورد، تا آن‌جا که نمازگزار نمی‌داند چند رکعت نماز خوانده است، اگر یکی از شما به چنین حالتی دچار شد در آخر نماز دو بار سجده سهو به جا آورد».

جمهور فقهاء گفته‌اند: در حدیث مذکور، شیطان نمازگزار را کاملاً غافل کرده به نحوی که حتی نمی‌داند که چند رکعت نماز خوانده است، پیامبر ﷺ دستور به سجده سهو می‌دهد و امر به اعاده نماز نمی‌کند، چون اگر نماز باطل بود امر به اعاده آن می‌کرد. و گفته‌اند: این حکمت سجده سهو است، برخلاف شیطان که انسان را وسوسه می‌کند و مانع حضور قلب و خشوع در نماز می‌شود، و به همین دلیل است که پیامبر ﷺ این سجده را «المرغمین» یعنی دو سجده‌ای که شیطان را خوار و زبون می‌کند نامیده است. پس اگر کسی می‌گوید: اعاده واجب است تا فواید خشوع حاصل شود، می‌تواند اعاده کند و اگر این فواید و ثمرات را نمی‌خواهد اعاده هم نمی‌خواهد و نمازش درست است، و اگر مراد از وجوب را این‌گونه فهمیده‌اند که حتماً واجب است اعاده شود و گرنه احکام تارک الصلاة بر آن جاری است، و اگر اعاده نکند عقوبت دارد، ما چنین نگفته‌ایم [یعنی در هر صورت باید کلمه واجب را درک کرد که مقصود حصول خشوع است نه ابطال نماز،] و قول دوم ارجح است. والله أعلم.^۲

۱- مدارج السالکین ص ۱۱۲/۱.

۲- مدارج السالکین ۵۲۸/۱.

خشوع مسئله‌ای بس بزرگ و با ارزش است و کسی می‌تواند آن را به دست آورد که خداوند به او توفیق داده باشد و محروم شدن از خشوع مصیبتی بس بزرگ و امری ناگوار است و به همین دلیل است که رسول‌الله ﷺ در دعایش می‌گوید: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ قَلْبٍ لَا يَخْشَعُ»^۱. «پروردگارا، از قلب بی‌خشوع به تو پناه می‌برم».

اهل خشوع درجات متفاوت دارند، و خشوع از عمل قلب «نیت درونی فرد» زیاد و کم می‌شود، مؤمنانی هستند که خشوع و فروتنی آنها تا آسمان می‌رسد و بعضی دیگر هم هستند که از نماز فارغ می‌شوند و هیچ تعقل و تأملی نکرده‌اند، بنابراین مردم نمازخوان به پنج گروه تقسیم می‌شوند:

- ۱- کسی که به خود ظلم می‌کند کسی است که وضو، وقت نماز و حدود و ارکان آن را به خوبی به جا نمی‌آورد.
- ۲- کسی که بر اوقات و حدود و ارکان ظاهری نماز محافظت می‌کند اما تلاش‌های خود را با وسوسه تباه می‌کند و انواع وسوسه‌ها و افکار را به ذهن راه می‌دهد.
- ۳- کسی که بر حدود و ارکان نماز محافظت می‌کند و با نفس خود در دفع وسوسه‌ها و افکار تلاش، و با دشمن خود جهاد می‌نماید تا از نماز وی چیزی دزدیده نشود، چنین کسی هم در نماز و هم در جهاد است.
- ۴- کسی که نماز می‌خواند و کاملاً حقوق، ارکان و حدود آن را مراعات می‌کند و قلبش در حفظ حدود و ارکان آن مستغرق است تا نه تنها چیزی از نماز ضایع نشود، بلکه می‌کوشد آن‌چنان که شایسته است نمازش را به طور کامل اداء کند و کاملاً مشغول عبادت پروردگار باشد.
- ۵- کسی که نماز می‌خواند و شرایط مذکور را رعایت می‌کند و قلبش را به خداوند می‌سپارد و با قلبش به خدا می‌نگرد کاملاً مراقب و دلش لبریز از محبت و عظمت

۱- رواه الترمذی.

خداست، گویی خدا را می‌بیند و به وی می‌نگرد، در نتیجه تمامی وساوس و اوهام او نابود، و حجاب‌های میان او و پروردگارشان برداشته می‌شوند، و فاصله چنین نمازگزاری با نمازگزاران دیگر بیش از فاصله آسمان‌ها و زمین است، زیرا وی کاملاً مشغول به نور چشمان خود است و احساس شوق، رغبت، گرمی و رسیدن می‌کند و هر آن به پروردگارش نزدیکتر می‌شود.

از این پنج گروه، **اولی** معاقبه می‌شود، **دومی** محاسبه می‌شود، **سومی** کفارة گناهانش می‌شود، **چهارمی** ثواب می‌برد، **پنجمی** مقرب پروردگار است، زیرا نماز او سبب روشنایی چشمانش بود. پس کسی که در دنیا، نماز، موجب روشنایی دل و چشم وی باشد، در قیامت به سبب نزدیکی به پروردگارش چشمانش روشن می‌شوند. همان‌طور که در دنیا موجب روشنایی دیدگانش بود، و چشم کسی که به خدا خوشحال، شاد و روشن شود هر دیده‌ای با دیدن او خوشحال نشود، اندوه‌ها بر اوست و نفس خود را باید آماده سختیها و حسرات کند.^۱

در آخر از خداوند تعالی خواهانم که ما را از خشوع‌کنندگان قرار دهد و توبه ما را قبول کند و به کسانی که در این رساله سهیم بوده‌اند جزای خیر دهد و به خواننده گرامی خیر رساند.

والحمد لله رب العالمین

مترجم:

عبدالله دارابی (غفر الله له) خدا ایشان را بیامرزد

۸۲/۱۱/۱۵

از مدرسه علوم دینی امام شافعی

۱- کتاب الوابل الصیب ص ۴۱-۴۰.